



# بررسی و مقایسه ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۶۸

## مقدمه:

مطالعه و بررسی اقتصادی ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای شهری و روستایی در هر کشوری یکی از مهمترین مواردی است که در هر سیستم اقتصادی - اجتماعی باید بدان توجه داشت. در نتیجه این مطالعات می توان اطلاعات جامعی درباره وضعیت مصرف گروه های مختلف درآمدی جامعه فراهم کرد. بعلاوه دسترسی به متغیرهای مربوط به مصرف، زمینه لازم را جهت بررسیهای اقتصادی در سطح اقتصاد ملی فراهم می آورد و پاره ای از اطلاعات

لازم را برای برآورد مصرف ملی تجهیز می نماید. مضافاً اینکه، این بررسی، بازار کالاهای مصرفی و همچنین حجم نیازمندیهای آن بازار را مشخص می کند و در ارتباط با تولید، نتایج بسیار سودمندی در زمینه مراکز تولید و ماهیت تولیدات کالاهای مورد نیاز جامعه بدست می دهد.

هدف از این بررسی، مطالعه کالاهای مصرفی خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی کشور در طی سال ۱۳۶۸ می باشد.<sup>۱</sup> یکی از شاخصهای مورد مطالعه، «سهم هزینه هر کالای مصرفی» در بودجه

(۱): قبل از وارد شدن به بحث، توجه خوانندگان عزیز را به این نکته جلب می نمایم که آمار ارائه

شده در این مقاله از نشریه «نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال

خانوار است، که معرف میزان اهمیتی است که خانوار برای آن کالا در سبد کالاهای مصرفی خود قائل است. سهم هزینه هر کالا برابر است با نسبت هزینه آن بر کل بودجه خانوار. در این بررسی بودجه خانوار معادل «متوسط کل هزینه سالانه خانوار» در نظر گرفته شده است. هزینه هر کالا در طول سال برابر است با حاصل ضرب قیمت آن کالا در مقدار خریداری شده آن. بدیهی است که افزایش هزینه هر کالا می‌تواند ناشی از افزایش قیمت آن، افزایش مقدار آن و یا ترکیبی از تغییرات آن دو باشد و برعکس، و اما افزایش «سهم هزینه» هر کالا در بودجه خانوار می‌تواند ناشی از افزایش هزینه هر کالا یا ناشی از کاهش

بودجه خانوار و یا در نتیجه افزایش بیشتر هزینه کالا نسبت به درآمد خانوار باشد. در اینجا با ارائه جدول هزینه ۱۷ کالای خوراکی و غیرخوراکی در بودجه خانوار و همچنین سهم هزینه آنها در بودجه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸، به مطالعه اهمیت هر کدام از کالاهای مذکور در ترکیب کالاهای مصرفی خانوارها پرداخته و مقایسه‌ای بین سهم هزینه آنها در سال ۱۳۶۸ انجام می‌گیرد و در پایان راه‌حلهایی جهت بهبود وضعیت مصرفی خانوارها ارائه می‌گردد.

۱۳۶۸»، منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران اخذ شده است. در این نشریه خانوارها به ده گروه درآمدی تقسیم شده‌اند که دامنه تغییرات درآمد آنها بین کمتر از ۱۲۰۰۰۱ ریال تا ۲۴۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر است. این تقسیم‌بندی دهگانه در طی ده سال گذشته - علیرغم تورم شدید قیمتها - همچنان حفظ شده است، در صورتیکه تورم شدید قیمتها منجر به افزایش هزینه خانوارها بطرز چشمگیری شده است و لذا «میانگین هزینه کالاهای مصرفی خانوارها» به سمت متوسط هزینه مصرفی گروههای هزینه‌ای با درآمد بالا تر میل نموده است. مثلاً متوسط هزینه‌های خوراکی و دخانی سالانه خانوارهای شهری حتی از متوسط هزینه گروه نهم درآمدی (۱۸۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰ ریال) نیز بیشتر است، لذا لازم است مرکز آمار ایران جهت مرتفع کردن این خطا، با توجه به تورم موجود در جامعه، طبقه‌بندی درآمدی جدیدی برای گروههای درآمدی خانوارها ارائه دهد.

(۱): کالاهای مورد مطالعه در این مقاله بر مبنای تقسیم‌بندی نشریه «نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸»، منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران می‌باشد. البته در نشریه مذکور کالاهای خوراکی و دخانی به ۹ گروه اصلی و کالاهای غیرخوراکی به ۷ گروه اصلی تقسیم شده‌اند، لکن در این مقاله گروه تفریحات و سرگرمیها و خدمات فرهنگی به لحاظ اهمیت مطالعه آن، به دوزیرگروه «تفریحات و سرگرمیها» و «تحصیل و آموزش» تقسیم شده است.

تقسیم بندی دهگانه گروه درآمدی خانوارهای شهری و روستایی در طی ده سال گذشته توسط مرکز آمار ایران، علیرغم افزایش شدید قیمتها و در نتیجه افزایش هزینه خانوارها، منجر به عدم تطابق بین هزینه ها با درآمد گروه های مختلف درآمدی شده است. چنین امری منجر به انتقال بسیاری از گروه های درآمدی پایین تر به گروه درآمدی اسماً بالا تر شده و در نتیجه تحلیلهای آماری را دچار خطا می نماید.

#### بررسی ترکیب هزینه های خوراکی و دخانی

سالانه خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸:

در سال ۱۳۶۸، هزینه سالانه ۹/۸ درصد از خانوارهای نمونه شهری کشور کمتر از ۴۸۰۰۰۱ ریال، ۲۷/۰ درصد بین ۴۸۰۰۰۱ تا ۱۲۰۰۰۰۰ ریال و هزینه سالانه ۶۳/۲ درصد، ۱۲۰۰۰۰۱ ریال و بیشتر بوده است، در حالیکه در سال مذکور متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری ۲۰۸۶۱۳۸ ریال بوده که از این مبلغ ۴۳/۹ درصد آن (یعنی در حدود ۹۱۶۱۳۹ ریال) مربوط به هزینه های خوراکی و دخانی و ۵۶/۱ درصد (یعنی در حدود ۱۱۶۹۹۹۹ ریال) مربوط به هزینه های غیرخوراکی می باشد.

لازم بتذکر است که متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری در مقایسه با رقم مشابه در سال ۱۳۶۷، ۱۵/۹ درصد افزایش نشان می دهد و متوسط هزینه های خوراکی و دخانی در حدود ۱۴/۱ درصد و متوسط هزینه های غیرخوراکی در حدود ۱۷/۳ درصد نسبت به سال ۱۳۶۷، افزایش یافته اند.

بررسی ترکیب هزینه های خوراکی و دخانی یک خانوار شهری در گروههای هزینه نشان می دهد که سهم هزینه های غیرخوراکی گروههایی که متوسط هزینه سالانه آنها بیش از ۲۴۰۰۰۰۱ ریال می باشد، بیش از سهم هزینه های خوراکی آنها بوده است و با افزایش کل هزینه خانوار، سهم هزینه های غیرخوراکی در مقایسه با هزینه های خوراکی افزایش یافته است. (جدول ۱).

خانوارهایی که در گروه هزینه کمتر از ۱۲۰۰۰۰۱ ریال در سال قرار داشته اند، قادر به تأمین مایحتاج زندگی روزمره خود نبوده و مجبور شده اند کالاهای بادوام خود را فروخته تا با درآمد حاصل از فروش آن، قسمتی از هزینه کالاهای خوراکی و دخانی خود را تأمین نمایند و دلیل این امر هزینه های خالص منفی است که در جلوی کالاهای بادوام آنها وجود دارد که بیانگر اینست که فروش دست دوم این کالاها بیش از خرید آنها می باشد.<sup>۱</sup>

جدول (۱): ترکیب هزینه های خوراکی و غیرخوراکی یک خانوار شهری در گروههای هزینه سالانه در سال ۱۳۶۸، به قیمت جاری. واحد: ریال

هزینه های غیرخوراکی		هزینه های خوراکی و دخانی		جمع	گروه های هزینه سالانه
درصد	مبلغ	درصد	مبلغ		
۵۶/۱	۱۱۶۹۹۹۹	۴۳/۹	۹۱۶۱۳۹	۲۰۸۶۱۳۸	متوسط کل
xx	۹۰۱۹۲۶	xx	۳۰۵۲۵۵	(۱) - ۵۹۶۶۹۱	کمتر از ۱۲۰۰۰۱
۴۱/۸	۷۷۳۹۷	۵۸/۲	۱۰۷۷۰۰	۱۸۵۰۹۷	۱۲۰۰۰۱ تا ۲۴۰۰۰۰
۵۶/۵	۱۷۳۷۷۲	۴۳/۵	۱۳۳۸۸۷	۳۰۷۶۵۹	۲۴۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۰
۶۱/۱	۲۵۷۶۵۷	۳۸/۹	۱۶۴۰۴۴	۴۲۱۷۰۱	۳۶۰۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰۰
۶۱/۹	۳۳۵۴۱۷	۳۸/۱	۲۰۶۸۴۲	۵۴۲۲۵۹	۴۸۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰
۵۹/۶	۴۵۲۴۲۹	۴۰/۴	۳۰۶۰۲۲	۷۵۸۴۵۱	۶۰۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰
۵۸/۴	۶۱۴۲۸۰	۴۱/۶	۴۳۸۵۴۶	۱۰۵۲۸۲۶	۹۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰۰
۵۷/۱	۸۴۹۲۲۶	۴۲/۶	۶۳۷۳۲۲	۱۴۸۶۵۴۸	۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰
۵۶/۱	۱۱۷۰۴۹۹	۴۳/۹	۹۱۴۳۱۸	۲۰۸۴۸۱۷	۱۸۰۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰۰
۵۶/۱	۲۳۹۲۵۵۸	۴۳/۹	۱۸۷۱۲۰۹	۴۲۶۳۷۶۷	۲۴۰۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰۰

(۱): چنانکه ملاحظه می شود، هزینه های غیرخوراکی گروه هزینه ای کمتر از ۱۲۰۰۰۰۱ ریال معادل ۹۰۱۹۴۶ ریال می باشد و آن معرف مابه التفاوت فروش دست دوم کالاهای غیرخوراکی با دوام فروخته شده از ارزش کالاهای تهیه شده است. از این مبلغ، ۳۰۵۲۵۵ ریال صرف هزینه های سالانه خوراکی و دخانی شده و در نتیجه مبلغ ۵۹۶۶۹۱ ریال، مانده گروه هزینه ای فوق در سال ۱۳۶۸ است که آنرا جهت هزینه کالاهای مورد نیاز خود در سال بعد مورد استفاده قرار خواهد داد.

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸.

(۱): هزینه های مندرج در جداول نشریات نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، «هزینه خالص خانوار» است که با کاستن ارزش فروش دست دوم کالاها از هزینه ناخالص بدست آمده است. در مواردیکه در مقابل فروش دست دوم، کالایی تهیه نشده و یا ارزش کالای تهیه شده، کمتر از ارزش فروش دست دوم بوده است، رقم هزینه بصورت منفی ارائه شده است.

ارقام جدول «متوسط هزینه های خوراکی و دخانی سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۶۸» تا حدی نشانگر تصویر کلی از الگوی مصرف جامعه شهری، هم در کلیت آن و هم در زیرمجموعه گروههای درآمدی و هزینه ای آن است که در اینجا به ۱۰ گروه هزینه ای - که طبعاً تا حدی منعکس کننده وضعیت درآمدی آنها نیز هست - تقسیم می شود. اگرچه تقسیم بندی اقشار مردم به ۱۰ گروه هزینه ای تا حدی ناقص است و مثلاً تقسیم بندیهای درونی گروههای اول و دهم را در نظر نمی گیرد، اما همچنین بیانگر حقایقی است که ذیلاً به آن اشاره می شود:

بررسی جدول (۲) نشان می دهد که متوسط کل هزینه های خوراکی و دخانی خانوارهای شهری کشور در سال ۱۳۶۸، ۹۱۶۱۳۹ ریال بوده که مصرف گوشت با اختصاص سالانه ۲۸۹۲۲۸ ریال (یعنی ۳۱/۶ درصد از کل هزینه های خوراکی و دخانی) جایگاه اول را در الگوی مصرف خانوارهای شهری احراز نموده و میوه ها و سبزیها، و گروه آرد و نان بترتیب با اختصاص ۲۲/۱ و ۱۵/۷ درصد از کل

هزینه های خوراکی بخود، اهمیت دوم و سوم را در این الگو داشته اند.

کمترین نقش در الگوی مصرف خانوارهای شهری نیز متعلق به گروه ادویه و چاشنی ها با ۰/۷ درصد کل هزینه های خوراکی و دخانی بوده است.

با بررسی و مقایسه سهم هزینه کالاهای مختلف در کل بودجه خانوار در بین گروههای دهگانه هزینه، می توان به میزان اهمیت هر کدام از این کالاها در الگوی مصرفی خانوارها پی برد.

نکته مسلمی که از مطالعه ارقام جدول (۲) ملاحظه می شود، آنست که؛ گرچه درصد و جایگاه ارقام غذایی مصرف شده توسط خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸، در هر گروه هزینه ای جامعه دائماً در حال تغییر بوده، اما بهرحال سهم گروه آرد، رشته و نان، گوشت و میوه ها و سبزیها در میان سبد کالاهای مصرفی خانوارهای شهری رقم عمده ای را بخود اختصاص داده است. کالاهای مذکور جمعاً در گروه اول هزینه ای ۶۰/۸ درصد، گروه دوم<sup>۲</sup> ۵۲/۴ درصد، گروه سوم ۶۵/۵ درصد، گروه چهارم ۵۹/۴ درصد، گروه پنجم ۶۵/۶ درصد، گروه

(۱): از آنجا که عموماً خانوارها از ذکر «درآمد حقیقی» خود امتناع می ورزند، لذا در محاسبات

بودجه خانوار، «هزینه کل خانوارها» معادل با درآمد کل آنها در نظر گرفته می شود.

(۲): تنها استثناء در مورد گروه دوم هزینه ای است که در آن سهم هزینه شیر و فرآورده های آن و

تخم پرندگان، میوه ها و سبزیها، آرد و رشته و نان و گوشت به ترتیب مرتبه اول، دوم، سوم و چهارم را در میان هزینه های خوراکی و دخانی بخود اختصاص داده است.

همواره کمتر از ۱۵ درصد کل هزینه خوراکی است. در عوض، عکس این حالت در مورد گوشت صادق است و این کالا در ۱۰/۶۸ درصد هزینه‌های خوراکی گروه دوم<sup>۱</sup> و ۳۵/۲ درصد هزینه‌های خوراکی گروه دهم را بخود اختصاص می‌دهد. البته باید توجه داشت که هزینه نان بعلت پرداخت سوبسید در شهرها بسیار پایین تر از حد طبیعی آن است.

همچنانکه گفته شد، نکته جالب در ارقام مربوط به گروه دهم هزینه‌ای جامعه شهری، افزایش هزینه‌های آن دسته از اقلام خوراکی و دخانی است که از شمول مهمترین و حیاتی‌ترین اقلام مصرفی خوراکی خارج هستند. مثلاً اگر از درصدها خارج شده و ارقام ریالی را مورد دقت قرار دهیم، مصرف ریالی ادویه و چاشنی‌ها را در گروه دهم هزینه‌ای بیش از ۴۱ برابر مصرف گروه دوم می‌یابیم.

ششم ۶۴/۶ درصد، گروه هفتم ۶۷/۳ درصد، گروه هشتم ۶۸/۸ درصد، گروه نهم ۷۰ درصد و گروه دهم خانوارهای شهری ۷۰ درصد از کل هزینه‌های خوراکی و دخانی این خانوارها را تشکیل می‌دهند. ارقام فوق نشان می‌دهد که گرچه مصرف سه نوع گروه کالایی فوق، تقریباً جایگاه مشابهی را در الگوی مصرف خانوارهای شهری اشغال کرده، اما با افزایش درآمد خانوارها، بطور سیستماتیک از اهمیت مصرف آرد و نان کاسته شده و جایگاه گوشت و نیز دیگر اقلام مصرفی که نسبتاً موقعیت غیراستراتژیک را دارا هستند، اهمیت افزونتری کسب می‌کند. در حالیکه مصرف آرد و نان همواره بیش از ۲۰ درصد از کل هزینه خوراکی گروه‌های اول تا پنجم هزینه‌ای جامعه شهری را شامل شده و این رقم در مورد گروه پنجم (۴۸۰۰۰۰ ریال تا ۶۰۰۰۰۰ ریال هزینه سالانه) حتی به ۲۷/۲ درصد هم نزدیک می‌شود و در گروه‌های نهم و دهم هزینه‌ای،

(۱): لازم بتذکر است که بنابر آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران مندرج در نشریه نتایج تفصیلی

آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸، متوسط هزینه‌های کل خوراکی و دخانی سالانه گروه هزینه‌ای کمتر از ۱۲۰۰۰۱ ریال، معادل ۳۰۵۲۵۵ ریال است و آن از گروه دوم (۱۰۷۷۰۰ ریال)، گروه سوم (۱۳۳۸۸۷ ریال)، گروه چهارم (۱۶۴۰۴۴ ریال) و گروه پنجم (۲۰۶۸۴۲ ریال) هزینه‌ای بیشتر است. بدیهی است که چنین امری دور از واقعیت است و آن احتمالاً ناشی از با تورش بودن نمونه‌گیری آماری و یا نادیده گرفتن اثرات تورمی در افزایش هزینه خانوارها و در نتیجه عدم تطابق بین هزینه‌ها با درآمد گروه‌های مختلف درآمدی می‌باشد. لذا در این مقاله، بحث درباره گروه اول هزینه‌ای را نادیده گرفته و مقایسه خود را بین گروه دوم بعنوان کم هزینه‌ترین و گروه دهم بعنوان پرهزینه‌ترین گروه انجام می‌دهیم.

نکته دیگری که از بررسی جدول (۲) به چشم می‌خورد، مقدار کل هزینه‌های خوراکی و دخانی گروه‌های هزینه‌ای شهری و نسبت آن به جمع کل متوسط این هزینه‌هاست. در حالیکه گروه دوم هزینه‌ای خانوارهای شهری با بطور متوسط ۲/۶ نفر عضو، سالانه ۱۰۷۷۰۰ ریال مصرف خوراکی و دخانی دارد، گروه دهم با ۵/۶

معادل ۲۰۴/۲ خواهد بود. به بیان دیگر، هزینه‌های خوراکی و دخانی بالاترین گروه جامعه شهری در سال ۱۳۶۸ بیش از ۱۷ برابر هزینه مشابه گروه دوم (بعنوان کم هزینه‌ای گروه) بوده و این در حالی است که گروه دهم، خود شامل زیرمجموعه‌هایی است که بررسی لایه‌های بالایی آن می‌تواند تفاوت‌های چشمگیری را

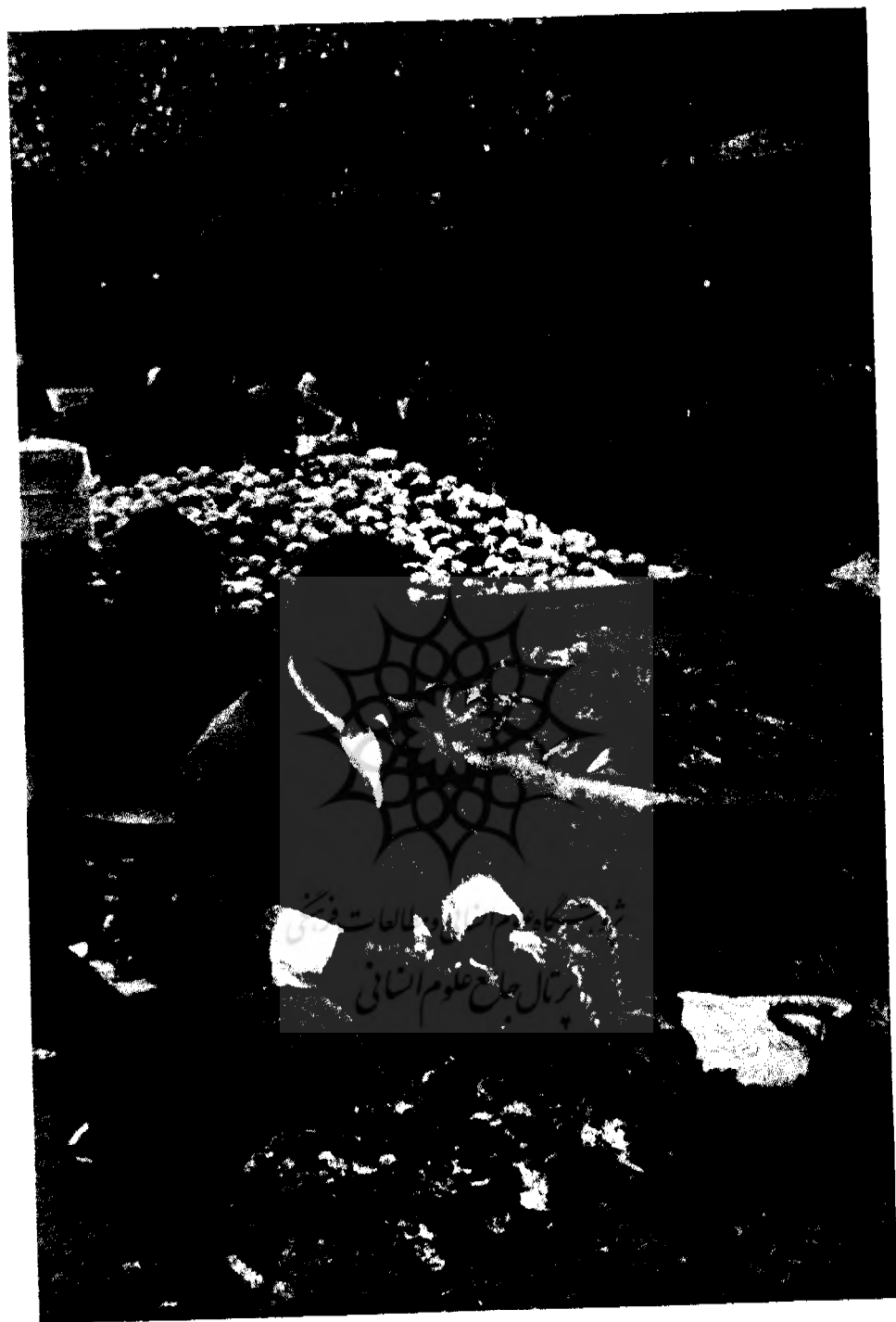
---

در سال ۱۳۶۸، مصرف نان و مشتقات آن با اختصاص ۳۱/۵ درصد کل هزینه خوراکی روستاهای کشور بخود، سهم اول را در میزان نهایی این هزینه‌ها دارا بوده است. این موضوع نشان‌دهنده اینست که فقدان نظام پرداخت سوبسید برای نان در روستاهای کشور، سهم این ماده غذایی را در هزینه خانوارهای روستایی بشدت بالا برده است، زیرا که تنها ۱۵/۷ درصد هزینه‌های خوراکی یک خانوار شهری، صرف نان و مشتقات آن می‌شود.

---

عضو در هر خانوار، بیش از ۱۸۷۱۲۰۹ ریال را به مصرف این نوع هزینه اختصاص می‌دهد. با توجه به اینکه متوسط کل هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای شهری کشور در سال ۱۳۶۸، همچنانکه اجمالاً ذکر شد، افزایش هزینه و طبعاً درآمد در گروه‌های دهگانه این خانوارها، بر روی درصد و نسبت هزینه‌های مربوط به اقلام آرد، رشته و نان و نیز گوشت بشدت تأثیر گذاشته است. در حالیکه هر خانوار گروه اول و گروه پنجم به ترتیب ۲۱/۶ و ۲۷/۲ درصد کل هزینه‌های خوراکی و دخانی خود را به آرد، رشته و نان اختصاص داده‌اند، سهم این قلم کالا در الگوی مصرف گروه

معادل شاخص ۱۰۰ فرض کنیم، شاخص هزینه‌های خوراکی و دخانی گروه اول معادل ۳۱/۳، گروه دوم ۱۱/۸، گروه سوم ۱۴/۶، گروه چهارم ۱۷/۹، گروه پنجم ۲۲/۶، گروه ششم ۳۳/۴، گروه هفتم ۴۷/۹، گروه هشتم ۶۹/۶، گروه نهم ۹۹/۸ و بالاخره گروه دهم هزینه‌ای جامعه شهری





جدول (۲): متوسط هزینه های خوراکی و دخانی سالانه یک خانوار شهری به تفکیک گروههای هزینه به قیمت جاری. واحد: ریال

۲۴۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۱		۱۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰		کمتر از ۱۲۰۰۰		متوسط کل		اقلام خوراکی و دخانی
درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱۰۰	۱۳۳۸۸۷	۱۰۰	۱۰۷۷۰۰	۱۰۰	۳۰۵۲۵۵	۱۰۰	۹۱۶۱۳۹	جمع کل
۲۳/۲۸	۳۱۱۷۱	۲۰/۱۳	۲۱۶۸۴	۲۱/۶	۶۵۹۳۶	۱۵/۷	۱۴۴۶۰۲	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن
۱۴/۲۳	۱۹۰۵۱	۱۰/۶۸	۱۱۵۰۲	۱۵/۲۶	۴۶۶۰۵	۳۱/۶	۲۸۹۲۲۸	گوشت
۱۲/۱۹	۱۶۳۲۲	۲۶/۴۸	۲۸۵۲۳	۱۳/۸	۴۲۱۵۴	۱۰/۹	۹۹۹۵۷	شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان
۰/۲۹	۴۴۸۶	۲/۴۳	۲۶۱۹	۳/۶	۱۱۰۰۶	۲/۲	۲۰۰۴۶	روغن ها و چربی ها
۲۷/۹۹	۳۷۴۸۷	۲۱/۵۷	۲۳۲۲۹	۲۳/۹۲	۷۳۰۸۶	۲۲/۱	۲۰۰۲۵۳	میوه ها و سبزی ها
۳/۴۸	۴۶۷۱	۳/۰۵	۳۲۹۳	۲/۸۱	۸۵۸۹	۳/۴	۳/۳۱۳	خشکبار و حبوبات
۶/۶۸	۸۹۴۶	۶/۸۴	۷۳۶۴	۵/۴۳	۱۶۵۸۸	۵/۰	۴۴۳۶۹	قند و شکر، شیرینی ها، چای، قهوه و کاکائو
۷/۷۶	۱۰۳۸۸	۸/۵۴	۹۱۹۸	۱۲/۱۴	۳۷۰۷۶	۸/۴	۷۶۴۹۲	نوشابه ها و غذاهای آماده و دخانیات
۱/۰۲	۱۳۶۵	۰/۲۷	۲۸۸	۱/۳۸	۴۳۱۵	۰/۷	۶۵۷۹	ادویه ها، چاشنی ها و سایر ترکیبات خوراکی
-	۲/۹	-	۲/۶	-	۳/۲	-	۴/۹	متوسط بعد خانوار
۲۴/۷	۴۶۱۶۷/۹	۲۲/۱	۴۱۴۲۳	۵۱/۰	۹۵۳۹۲/۲	۱۰۰	۱۸۶۹۶۷/۱	هزینه سرانه و درصد آن نسبت به متوسط کل

دهم به ۱۴/۹ درصد تنزل می یابد. درصدهای آن در تفکیک این گروهها تغییر چندانی را شاهد نیست، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که مصرف آرد، رشته و نان با مصرف گوشت در الگوی مصرف گروههای دهگانه هزینه ای، در شرایط افزایش هزینه کل در گروههای دهگانه، نسبت معکوس دارد و هرچه هزینه خانوار بالا تر می رود، از اهمیت آرد، رشته و نان در کل مصرف کاسته شده و بر اهمیت گوشت افزوده می شود.

عکس همین حالت در مورد گوشت رخ می دهد، یعنی در عین حال که سهم گوشت در هزینه های خوراکی گروه دوم ۱۰/۷ درصد است، این نسبت در گروههای هشتم، نهم و دهم هزینه ای به ترتیب به ۲۶/۵، ۳۱/۷ و ۳۵/۲ درصد افزایش می یابد.

با توجه به آنکه دیگر اقلام مصرفی گروه خوراکی و دخانی دارای اهمیت نسبتاً مشابهی در تمام گروههای دهگانه هستند و

۱۲۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۱		۹۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۱		۶۰۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰۱		۴۸۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۱		اقلام خوراکی و دخانی
درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱۰۰	۲۳۸۵۴۶	۱۰۰	۳۰۶۰۲۲	۱۰۰	۲۰۶۸۴۲	۱۰۰	۱۶۴۰۴۴	جمع کل
۱۸/۶۹	۸۱۹۸۸	۱۹/۵۲	۵۹۷۴۲	۲۷/۱۶	۵۶۱۷۹	۲۰/۳۶	۳۳۴۰۶	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن
۲۱/۳۷	۹۳۷۱۸	۱۹/۱۲	۵۵۸۰۶	۱۲/۶۹	۲۶۲۵۲	۱۴/۸۱	۲۴۳۰۳	گوشت
۱۱/۰۱	۴۸۳۰۸	۱۳/۰۹	۴۰۰۸۸	۱۲/۶۶	۲۶۱۹۳	۱۲/۶۹	۲۰۸۲۳	شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان
۲/۴۸	۱۰۹۱۴	۲/۵۸	۷۹۱۴	۳/۲۱	۶۶۵۲	۳/۹۴	۶۴۷۷	روغن‌ها و چربیها
۲۷/۲	۱۱۹۲۸۵	۲۵/۹۴	۷۹۳۹۷	۲۵/۷۷	۵۳۳۰۹	۲۴/۲۷	۳۹۸۱۹	میوه‌ها و سبزیها
۲/۴۲	۱۰۶۳۰	۲/۶۵	۸۱۲۳	۲/۵۸	۵۳۴۱	۲/۶۵	۴۳۵۲	خشکبار و حیویات
۵/۳۲	۲۳۳۲۸	۵/۹۳	۱۸۱۲۹	۶/۰۳	۱۲۴۸۸	۷/۶۹	۱۲۴۱۶	قندوشکر، شیرینیها، چای، قهوه و کاکائو
۱۰/۵۶	۴۶۳۲۸	۱۰/۳۲	۳۱۵۷۹	۹/۰۲	۱۸۶۶۹	۱۳/۰۴	۲۱۳۸۷	نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات
۰/۹۲	۴۰۴۷	۰/۸۳	۲۵۳۴	۰/۸۵	۱۷۵۷	۰/۵۲	۸۶۰	ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی
-	۴/۸	-	۴۱۴	-	۴/۲	-	۳/۶	متوسط بعد خانوار
۴۸/۹	۹۱۳۶۳/۷	۳۷/۲	۶۹۵۵۰/۴	۲۶/۳	۴۹۲۲۸	۲۴/۴	۴۵۵۶۷/۷	هزینه سرانه و درصد آن نسبت به متوسط کل

◁

درصد بر اهمیت آن در الگوی مصرف افزوده می‌شود. همچنانکه گفته شد، سهم دیگر اقلام خوراکی و دخانی - علی‌رغم تنوعشان در نوع - هم در الگوی مصرف گروه‌ها دارای اهمیت نسبتاً ثابتی است و هم مجموعاً درصد چندان مهمی را در کل هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای شهری تشکیل نمی‌دهد. سهم شیر و فرآورده‌های آن، روغن و چربیها، خشکبار و حبوبات، قند و شکر و...، نوشابه‌ها و... و ادویه‌ها و چاشنی‌ها در کل این هزینه‌ها، تقریباً بین ۳۰ تا ۵۰ درصد در میان

البته، به‌رحال نباید فراموش کرد که ارقام مطلق، در روند بررسی هزینه‌ها از گروه اول به گروه دهم، همچنان از افزایش سهم هزینه کالاها خبر می‌دهند. مثلاً گرچه در مقایسه میان گروه دوم و دهم هزینه‌ای، اهمیت آرد، رشته و نان به ۵/۳ درصد در گروه دهم تقلیل می‌یابد، اما مطلق هزینه آرد، رشته و نان در گروه دهم به بیش از ۱۲/۸ برابر مطلق هزینه گروه دوم می‌رسد. هزینه گوشت نیز در گروه دهم تقریباً ۵۷ برابر هزینه گوشت گروه دوم است، گرچه بصورت درصدی تنها ۲۵

اقلام خوراکی و دخانی		۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰		۱۸۰۰۰۰۰ تا ۳۳۰۰۰۰۰		۲۴۰۰۰۰۰ و بیشتر	
ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد
جمع کل	۶۳۷۳۲۲	۱۰۰	۹۱۴۳۱۸	۱۰۰	۱۸۷۱۲۰۹	۱۰۰	۱۸۷۱۲۰۹
آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن	۱۰۴۵۸۰	۱۶/۴	۱۳۶۲۴۹	۱۴/۹	۲۷۷۴۷۳	۱۴/۸۳	۲۷۷۴۷۳
گوشت	۱۶۹۲۰۲	۲۶/۵۴	۲۹۰۲۴۶	۳۱/۷۴	۶۵۹۵۳۳	۳۵/۲۴	۶۵۹۵۳۳
شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۷۱۸۴۸	۱۱/۲۷	۹۸۷۹۵	۱۰/۸	۱۹۷۷۵۷	۱۰/۵۶	۱۹۷۷۵۷
روغن‌ها و چربی‌ها	۱۳۶۳۱	۲/۱۴	۱۹۶۲	۲/۰۹	۳۹۵۳۰	۲/۱۱	۳۹۵۳۰
میوه‌ها و سبزی‌ها	۱۶۴۵۵۹	۲۵/۸۲	۲۱۴۰۴۸	۲۳/۴۱	۳۷۵۵۹۶	۲۰/۰۷	۳۷۵۵۹۶
خشکبار و حبوبات	۲۰۴۸۲	۳/۲۱	۲۸۹۹۳	۳/۱۷	۶۹۱۱۸	۳/۶۹	۶۹۱۱۸
قند و شکر، شیرینی‌ها، چای، قهوه و کاکائو	۲۷۸۶۷	۴/۳۷	۴۲۳۳۹	۴/۶۳	۹۷۰۵۱	۵/۱۸	۹۷۰۵۱
نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات	۶۰۱۱۵	۹/۴۳	۷۷۰۹۸	۸/۴۳	۱۴۳۰۶۷	۷/۶۴	۱۴۳۰۶۷
ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی	۵۰۳۶	۰/۷۹	۷۳۸۸	۰/۸	۱۲۰۸۴	۰/۶۴	۱۲۰۸۴
متوسط‌بعد خانوار	۵/۲	-	۵/۲	-	۵/۶	-	۵/۶
هزینه سرانه و درم‌سند آن نسبت به متوسط کل	۱۲۲۵۶۱/۹	۶۵/۵	۱۷۵۸۳۰/۳	۹۴	۳۳۴۱۴۴/۴	۱۷۸/۷	۳۳۴۱۴۴/۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸.

گروه‌های دهگانه نوسان دارد. در مورد زیرمجموعه اقلام مصرفی خوراکی و دخانی خانوارهای شهری، میزان مصرف نوشابه و غذاهای آماده و دخانیات و اهمیت آن در الگوی هزینه‌ای خانوارهای شهری و گروه‌های دهگانه آن، توجه خوانندگان را به این نکته جلب می‌نمائیم که اگر جزئیات و ریز این گروه غذایی را به دو قشر دخانیات از یکطرف و نوشابه و غذاهای آماده از طرف دیگر تقسیم کنیم، اختلاف میزان مصرف و اهمیت این دو زیرمجموعه در گروه‌های هزینه‌ای به نحو بارزی آشکار

می‌شود. جدول (۳)، سهم تفکیک شده این دو زیرمجموعه را با مقایسه گروه‌های دوم و دهم هزینه‌ای نسبت بیکدیگر در میزان مصرف این کالاها نشان می‌دهد. همچنانکه از جدول (۳) بر می‌آید، در حالیکه سطح مصرف گروه دهم هزینه‌ای جامعه شهری در سال ۱۳۶۸ در مورد کل مجموعه نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات به بیش از ۱۵/۵ برابر سطح مصرف گروه دوم می‌باشد، این نسبت تعادل خود را در ریز اقلام این نوع کالاها حفظ نکرده است. مثلاً؛ در حالیکه سطح مصرف نوشابه و

در گروه دوم مصرف دخیلیات در گروه دهم  
 برابر ۱۹/۴ درصد بود که با افزایش به ۱۹/۴ برابر  
 مصرف در مورد  
 برابر کاهش یافته است  
 می باشد:

گروه دوم هزینه ای بعنوان کم هزینه ترین  
 گروه در بین گروه های دهگانه، در مصرف  
 خوراکی و دخانی، بیش از اهمیت آن در  
 الگوی مصرف گروه دهم بعنوان  
 پرهزینه ترین گروه است، حال آنکه این

مصرف نوشابه ها و دخانیات بین گروه دوم و گروه دهم هزینه ای  
 واحد: ریال

دخانیت	نوشابه ها و غذاهای		مصرف
	آماده	آماده و دخانیات	
۲۷۰۷۷	۲۹۲۱۵	۷۶۲۹۲	۱۰۰٪
۵۴۴۲	۳۵۵۲	۹۱۹۸	۱۰۰٪ (۲۲ ریال)
۷۲۰۳۱	۶۹۰۳۶	۱۲۳۰۶۷	۱۱۰٪ (۱۱ و بیشتر)
۱۳/۱	۱۹/۲	۱۵/۵	۱۱۵٪ (۱۱ و بیشتر)

نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸.

مسئله در مورد نوشابه و غذاهای آماده بجز  
 دخانیات حالت معکوس می یابد و اهمیت  
 آن در الگوی مصرف گروه دوم، بمراتب  
 کمتر از اهمیت آن در گروه دهم می باشد.  
 البته این کاملاً طبیعی است که گروه دوم  
 هزینه ای با هزینه خوراکی و دخانی سرانه  
 ۱۱۳/۵ ریال برای هر نفر در روز، نتواند  
 بیش از این به مصرف اقلام تقریباً تفریحی و  
 تفریحی بپردازد، بویژه آنکه هزینه نوشابه و  
 غذاهای آماده بجز دخانیات در گروه دهم  
 هزینه ای، تقریباً ۱۹/۴ برابر هزینه گروه دوم  
 است.

در مصرف دخانیات و مصرف نوشابه و غذاهای آماده  
 به آن در اقشار کم درآمد  
 هزینه های خوراکی آنها  
 سهم هزینه دخانیات در  
 در گروه دهم ۳/۹  
 در اقشار کم درآمد و در گروه دهم ۳/۹  
 در اقشار کم درآمد و در گروه دهم ۳/۹  
 در اقشار کم درآمد و در گروه دهم ۳/۹

ملاحظه  
 الگوی مصرف

هزینه بالای مسکن در گروه‌های کم درآمد روستایی، بشدت سایر هزینه‌ها را در تنگنا قرار داده است، بطوریکه هزینه سرانه بهداشتی و درمانی گروه دهم هزینه‌ای ۸/۵ برابر و هزینه‌های سرانه تحصیلی و آموزشی حدود ۱۴/۵ برابر همین هزینه‌ها در گروه دهم است.

### هزینه خوراکی و دخانی سرانه خانوارهای

شهری در سال ۱۳۶۸:

استخراج مصرف خوراکی و دخانی سرانه در خانوارهای شهری به تفکیک گروه‌های دهگانه هزینه‌ای می‌تواند حاوی نکات درخور توجهی باشد. با عنایت به متوسط بُعد خانوار (اعضای هر خانواده) در گروه‌های مذکور، روشن می‌شود که مصرف خوراکی و دخانی سرانه در کل خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸ معادل ۱۸۶۹۶۷/۱ ریال بوده که تفکیک آن در مورد گروه‌های دهگانه از گروه اول تا دهم به ترتیب ۹۵۳۹۲/۲ ریال برای گروه اول، ۴۱۴۲۳ ریال برای گروه دوم، ۶۱۶۷/۹ ریال برای گروه سوم، ۴۵۵۶۷/۷ ریال برای گروه چهارم، ۴۹۲۴۸ ریال برای گروه پنجم، ۶۹۵۵۰/۴ ریال گروه ششم، ۹۱۳۶۳/۷ ریال برای گروه هفتم، ۱۲۲۵۶۱/۹ ریال برای گروه هشتم، ۱۷۵۸۳۰/۳ ریال برای گروه نهم و ۳۳۴۱۴۴/۴ ریال برای گروه دهم بوده است. به بیان دیگر، اگر مصرف سرانه خوراکی و دخانی کل خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸ را معادل شاخص ۱۰۰

محاسبه کنیم، این رقم برای گروه هزینه‌ای اول ۵۱، گروه دوم ۲۲/۱، گروه سوم ۲۴/۷، گروه چهارم ۲۴/۴، گروه پنجم ۲۶/۳، گروه ششم ۳۷/۲، گروه هفتم ۴۸/۹، گروه هشتم ۶۵/۵، گروه نهم ۹۴ و گروه دهم هزینه‌ای ۱۷۸/۷ بوده است. از ارقام فوق، لااقل دو نتیجه بدست می‌آید:

اول آنکه اختلاف در مصرف مواد خوراکی و دخانی - و بالطبع اختلاف درآمد - در میان گروه‌های جامعه شهری شدید بوده و مصرف سرانه هر فرد از گروه دهم هزینه‌ای در حدود ۸/۱ برابر مصرف خوراکی سرانه همین فرد در گروه دوم است. نکته دوم حاصل از این ارقام - که شاید بتوان تا حدی آنرا ناشی از مورد اول یعنی اختلاف شدید مصرف و درآمد دانست - آن است که بجز گروه دهم هزینه‌ای در جامعه شهری، کلیه نُه گروه دیگر از جنبه مصرف مواد خوراکی و دخانی، سطح مصرفی زیر سطح مصرف سرانه کل داشته‌اند<sup>۱</sup> و این به نوبه خود دلالت بر تمرکز شدید مصرف، ثروت و امکانات هزینه‌ای در نزد گروه‌های

بالای هزینه‌ای جامعه (بخصوص گروه دهم) دارد.

بطور کلی، آنچه در پایان علاوه بر ناهمگونی شدید توزیع ثروت و امکانات هزینه‌ای در سطح جامعه می‌توان از جدول فوق استنتاج کرد، آن است که همراه با بالا رفتن سطح کل هزینه (اعم از خوراکی و غیرخوراکی) در گروه‌های دهگانه جامعه شهری از گروه یکم به سمت گروه دهم، مصرف مواد خوراکی و دخانی نیز به موازات آن افزایش می‌یابد و این با توجه به آنکه مصرف مواد خوراکی با هرگونه افزایش درآمد و هزینه به‌رحال باید سقفی داشته باشد، دو یا لااقل یکی از دو نکته زیر را نشان می‌دهد: اول آنکه، سطح مصرف مواد غذایی در کشور هنوز تا مرحله اشباع فاصله بسیاری دارد.

دوم آنکه، اسراف و روحیه ریخت و پاش در گروه‌های بالایی درآمدی و هزینه کشور، شدیداً رایج است.

بررسی ترکیب هزینه‌های غیرخوراکی خانوارهای شهری کشور به تفکیک گروه‌های هزینه‌ای:

در سال ۱۳۶۸، متوسط هزینه‌های

غیرخوراکی سالانه یک خانوار شهری ۱۱۶۹۹۹۹ ریال می‌باشد که در مقایسه با همین هزینه در سال ماقبل دارای رشدی معادل ۱۷/۳ درصد است.

هزینه مسکن (شامل آب و سوخت و روشنایی) با سهمی برابر ۴۹ درصد از کل هزینه‌های غیرخوراکی خانوار، بیشترین سهم را بخود اختصاص داده است.

در سال ۱۳۶۸، هزینه‌های پوشاک و کفش با ۱۹/۸ درصد، حمل و نقل و ارتباطات با ۸/۴ درصد، بهداشت و درمان با ۶/۲ درصد و کالاهای و خدمات متفرقه با ۵/۲ درصد، در مراتب بعدی اهمیت قرار داشته‌اند.

نکته قابل توجه در این هزینه‌ها، سهم هزینه مسکن است که در تمام گروه‌های هزینه‌ای سهم نسبتاً بالایی را بخود اختصاص داده است. این سهم در گروه دوم هزینه‌ای در حدود ۱۶۶ درصد و به ترتیب در گروه‌های بعدی ۱۰۲/۶، ۸۸/۷، ۷۹/۳، ۶۹/۱، ۶۳/۷، ۵۸/۶ و ۵۳/۹ و ۳۸/۵ درصد هزینه‌های غیرخوراکی خانوار را تشکیل می‌دهد.

سهم بالای هزینه مسکن بویژه در ترکیب هزینه‌های خانوارهای کم درآمد موجب

(۱): البته بنظر می‌رسد این اختلاف شدید مصرف سرانه تا حدی اغراق آمیز است و آن ناشی از نادیده گرفتن اثرات تورمی در افزایش هزینه خانوارها و بنابراین عدم تطابق بین هزینه‌ها با درآمد گروه‌های درآمدی مربوطه و در نتیجه انتقال بسیاری از گروه‌های درآمدی پایین‌تر به گروه درآمدی اسماً بالاتر می‌باشد.

می‌شود که از سهم هزینه‌های دیگر آنها نظیر بهداشت و تحصیل کاسته شود، بطوریکه برخی از اقلام هزینه‌ای نظیر هزینه تفریحات و اثاثه و مبلمان و ملزومات خانه در حد نازلی و بعضاً منفی است. به این معنا که در این اقلام فروش دست‌دوم کالا بیش از میزان خرید آن است.

البته با افزایش هزینه‌های خانوار که بدنبال افزایش درآمد ممکن می‌شود، ترکیب هزینه‌ها شکل متعادل‌تری پیدا می‌کند، لیکن هزینه مسکن همچنان نقش عمده‌ای را دارا می‌باشد.

هزینه بالای مسکن در گروه‌های کم‌درآمد جامعه، شدت سایر هزینه‌ها را در

نتیجه گرفت که توزیع امکانات غیرخوراکی و رفاهی در جامعه به نحو نامطلوب‌تری نسبت به مواد خوراکی قرار دارد؛ زیرا توزیع مواد خوراکی را دولت از طریق سهمیه‌بندی و اعطای انواع سوبسیدها بهبود بخشیده است (البته نه نوع مصرف را)، لیکن در مورد مواد غیرخوراکی دولت می‌بایست اقدامات بیشتری انجام دهد، زیرا در حال حاضر اینگونه امکانات بیشتر در اختیار طبقات مرفه قرار دارد و طبقات کم‌درآمد سهم کمی از آن دارند.

در مورد مواد غذایی چنانچه فرض کنیم که سهمیه کوپن حداقل نیاز خانوارها را تأمین نماید، بنابراین چنانچه تغییری در

---

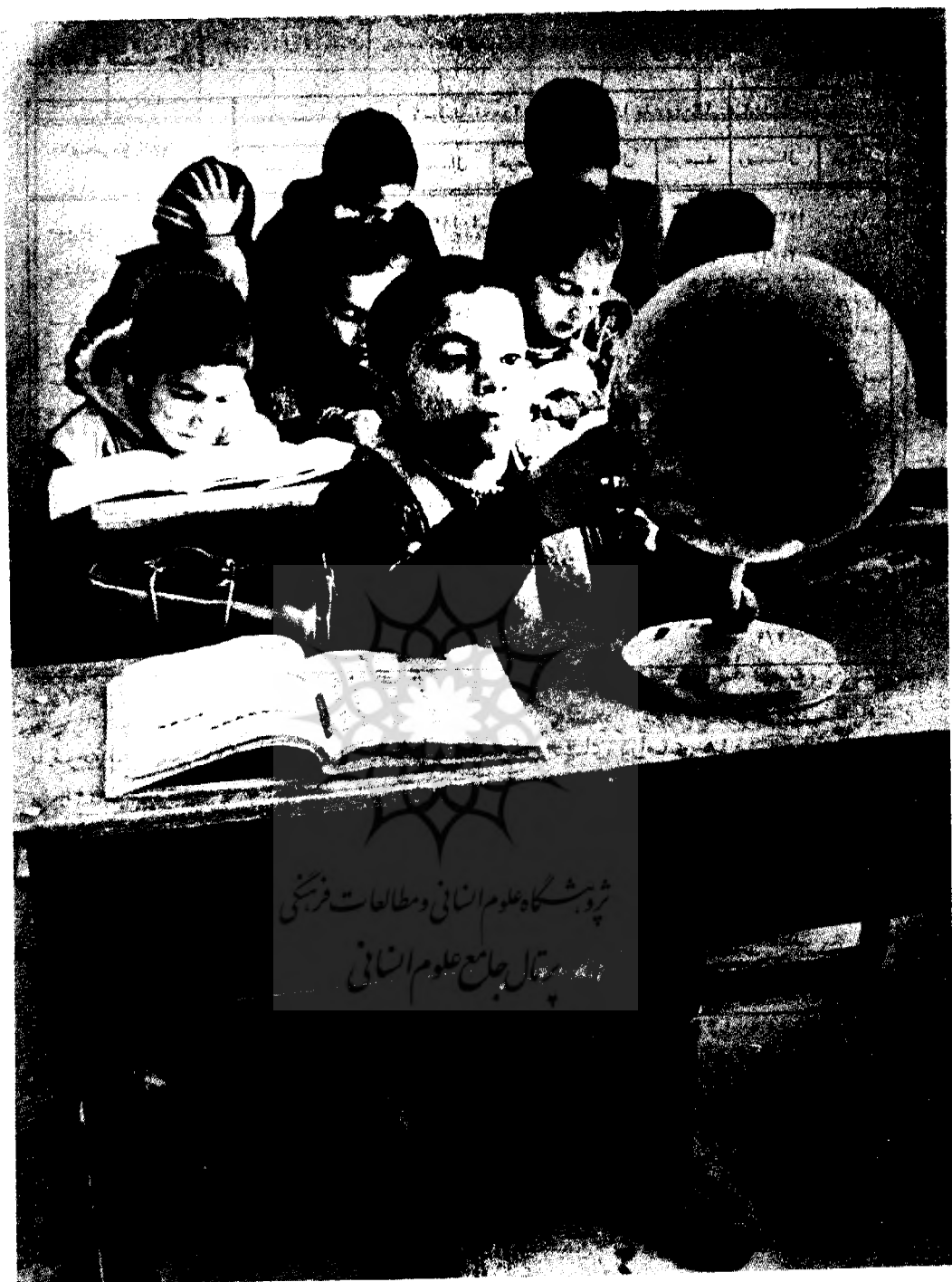
باین بودن هزینه تحصیل و آموزش در روستاها و شهرهای کشور، بیانگری توجهی خانوارهای کم‌درآمد به آن - بعلاوه افزایش شدید هزینه‌های کالاهای ضروری آنها -، می‌باشد که عواقب چنین امری افزایش بیسوادی و ترک تحصیل در میان خانوارهای کم‌درآمد شهری و روستایی است.

---

ترکیب مواد غذایی سهمیه‌بندی شده داده شود، شاید بتوان به وضعیت مطلوب‌تری نیز دست یافت. بدین ترتیب که با ارضاء مقادیری از تقاضاهای اشباع نشده مواد پروتئینی در مورد خانوارهای با درآمد کم و متوسط در سال و تغییراتی در ترکیب هزینه‌های خوراکی و نوع آن، می‌توان وضع را مطلوب‌تر نمود. لیکن نکته قابل بحث در اینجا توزیع نامتناسب امکانات غیرخوراکی

تنگنا قرار داده است، بطوریکه هزینه‌های سرانه بهداشتی و درمانی در گروه دهم هزینه‌ای ۱۲/۵ برابر و هزینه‌های سرانه تحصیلی و آموزشی حدود ۹ برابر همین هزینه‌ها در گروه دوم است.

بطور کلی، در کلیه هشت گروه اول هزینه‌ای، تمام هزینه‌های غیرخوراکی در حدی پایین‌تر از متوسط هزینه‌ها قرار دارد. با توجه به مراتب فوق، می‌توان چنین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
موسسه مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی



جدول (۴): متوسط هزینه‌های غیرخوراکی سالانه یک خانوار شهری به تفکیک گروههای هزینه سالانه به قیمت جاری. واحد: ریال

۳۶۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۱		۲۴۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۱		کمتر از ۱۲۰۰۰۱		متوسط کل		اقلام غیرخوراکی
درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱۰۰	۱۷۳۷۷۲	۱۰۰	۷۷۳۹۷	-	۹۰۱۹۴۶	۱۰۰	۱۱۶۹۹۹۹	جمع کل
۹/۴	۱۶۳۱۶	۱۱/۸	۹۱۶۸	-	۹۳۰۲۴	۱۹/۸	۲۳۱۵۹۵	پوشاک و کفش
۱۰۲/۶	۱۷۸۳۵۹	۱۶۶/۴	۱۲۸۸۲۳	-	۴۱۰۹۱۷	۲۹	۵۷۳۳۲۶	مسکن
-	۳۴۱۷	-	۱۹۳۶۸	-	۲۸۲۷۷۹	۸/۷	۱۰۱۴۱۷	لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات
۶/۱	۱۰۶۱۴	۷/۹	۶۰۹۵	-	۳۴۲۷۹	۶/۲	۷۲۸۳۸	بهداشت و درمان
-	۲۶۱۹۱	-	۲۸۱۴۶	-	۱۰۲۷۱۵۲	۸/۴	۹۷۸۲۳	حمل و نقل و ارتباطات
-	۱۵۶۷	-	۵۰۴	-	۳۴۴۱	۱/۰۵	۱۲۳۹۹	تفریحات و سرگرمیها
۱/۸	۳۱۰۲	۲/۳۶	۱۸۳۳	-	۱۵۵۸۷	۱/۷	۱۹۶۷۳	تحصیل و آموزش
-	۳۴۴۴	-	۲۰۵۱۴	-	۱۴۱۳۸۱	۵/۲	۶۰۹۲۸	کالاها و خدمات متفرقه خانوار
-	۲/۹	-	۲/۶	-	۳/۲	-	۴/۹	متوسط بعد خانوار

گروههای درآمدی هزینه منفی دیده نمی‌شود، لیکن در بخش غیرخوراکی هزینه منفی دیده می‌شود، بدین معنا که فروش دست دوم این کالاها بیش از خرید آنها بوده است.

با توجه به سهم بالای آن در هزینه خانوار می‌باشد. بطوریکه ملاحظه می‌شود، در بخش هزینه‌های خوراکی بعلت سیستم‌های حمایتی خاص دولت، در هیچیک از

منفی بودن هزینه برخی از اقلام غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی دلالت بر عدم تناسب درآمد و هزینه در میان گروه‌های کم درآمد دارد، بطوریکه این فشار از جامعه مجبور شده اند کالاهای بادوام خود را فروخته و قسمتی از هزینه آنها صرف کالاهای خوراکی و غیرخوراکی خود (مانند مسکن، پوشاک و کفش) بنمایند.

۱۲۰۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰۱		۹۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۱		۶۰۰۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰۰۱		۴۸۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۰۱		اقلام غیر خوراکی
درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱۰۰	۶۱۲۲۸۰	۱۰۰	۴۵۲۲۲۹	۱۰۰	۳۳۵۴۱۷	۱۰۰	۲۵۷۴۵۷	جمع کل
۱۲/۸	۷۸۶۴۱	۱۱/۴	۵۱۶۵۰	۱۰	۳۳۶۴۴	۷/۸	۱۹۹۹۹	پوشاک و کفش
۶۳/۷	۳۹۱۱۷۶	۶۹/۱	۳۱۲۷۴۷	۷۹/۳	۲۶۶۰۹۱	۸۸/۷	۲۲۸۶۰۲	مسکن
۵/۶	۳۴۵۱۷	۴/۰۵	۱۸۳۴۸	-	-۱۵۴۱	-	-۱۰۰۳۱	لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات
۵/۷	۳۴۹۰۵	۴/۵	۲۰۵۱۴	۶/۵	۲۱۸۰۲	۷/۶	۱۹۵۲۹	بهداشت و درمان
۵/۷	۳۵۳۹۲	۶/۵	۲۹۲۶۰	۱/۱	۳۷۶۱	-	-۳۹۷۸	حمل و نقل و ارتباطات
۰/۶۶	۴۰۵۹	۰/۷	۳۲۷۰	۰/۰۷	۲۲۲	۰/۵۳	۱۳۷۶	تفریحات و سرگرمیها
۱/۸	۱۰۸۷۷	۱/۵	۶۷۸۴	۲/۳	۷۸۸۷	۱/۹۷	۵۰۸۵	تحصیل و آموزش
۴/۰۲	۲۴۷۲۳	۲/۲	۹۸۵۶	۱/۰۵	۳۵۳۷	-	-۲۹۲۵	کالاها و خدمات متفرقه خانوار
-	۴/۸	-	۴/۴	-	۴/۲	-	۳/۶	متوسط بعد خانوار



هزینه‌ها و همچنین سطح درآمد خانوارهای روستایی بمراتب پایین‌تر از سطح متوسط شهرها و کل کشور است.

لازم بتذکر است که متوسط هزینه کل سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۶۸ در مقایسه با رقم مشابه آن در سال ۱۳۶۷، ۲۳/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد و متوسط هزینه‌های خوراکی و دخانی در حدود ۲۲/۴ درصد و همچنین متوسط هزینه‌های غیرخوراکی در حدود ۲۴/۷ درصد افزایش یافته است.

همچنانکه در جدول (۵) ملاحظه می‌شود، متوسط کل هزینه سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۶۸ (اعم از هزینه خوراکی و غیرخوراکی)، در حدود

## بررسی ترکیب هزینه‌های خوراکی و دخانی سالانه خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۸:

در سال ۱۳۶۸، در حالیکه متوسط هزینه سالانه ۹/۸ درصد از خانوارهای نمونه آمارگیری شده شهری کمتر از ۴۸۰۰۰۱ ریال، هزینه سالانه ۲۷/۰ درصد بین ۴۸۰۰۰۱ تا ۱۲۰۰۰۰۰ ریال و هزینه سالانه ۶۳/۲ درصد ۱۲۰۰۰۰۱ ریال و بیشتر بوده است، هزینه سالانه ۱۸/۵ درصد از خانوارهای نمونه روستایی کمتر از ۴۸۰۰۰۱ ریال، ۴۱/۸ درصد بین ۴۸۰۰۰۱ تا ۱۲۰۰۰۰۰ ریال و بالاخره هزینه سالانه ۳۹/۷ درصد ۱۲۰۰۰۰۱ ریال و بیشتر می‌باشد که بیانگر آن است که سطح

ردیف	۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰		۱۸۰۰۰۰۰ تا ۲۳۰۰۰۰۰		اقلام غیر خوراکی
	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱	۱۰۰	۱۱۷۰۲۹۹	۱۰۰	۸۴۹۲۲۶	جمع کل
۲	۱۸/۸	۲۱۹۷۲۸	۱۵/۹	۱۳۲۹۳۵	یوشاک و کفش
۳	۵۳/۹	۶۳۱۵۹۶	۵۸/۶	۴۹۸۱۶۰	مسک
۴	۵/۱	۵۹۵۱۳	۷/۲	۶۳۱۱۱	لوازم، اثاثه، ملرومات و خدمات
۵	۲/۸	۵۶۷۰۷	۴/۵	۳۸۰۳۱	سهداشت و درمان
۶	۶/۹	۸۰۰۸۴	۶/۸	۵۷۶۱۱	حمل و نقل و ارتباطات
۷	۰/۸۹	۱۳۰۳۲	۰/۸۳	۷۰۶۷	تفریحات و سرگرسها
۸	۱/۶	۱۹۲۹۵	۲/۱	۱۸۲۲۷	تحصل و آموزش
۹	۲/۶	۵۳۵۲۲	۳/۸	۳۲۰۸۴	کالاها و خدمات متفرقه خانوار
	—	۵/۲	—	۵/۲	متوسط بعد خانوار

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، در سال ۱۳۶۸

بیشتر)، سهم هزینه های خوراکی و دخانی در بقیه گروههای هزینه بیشتر از سهم هزینه های غیرخوراکی است و این سهم نازل بودن بسیار شدید سطح رفاه در روستاهای کشور می باشد، بطوریکه در سال ۱۳۶۸ در گروه اول هزینه ای (۱۲۰۰۰۰۰ ریال در سال)، ۸۲/۳ درصد از هزینه ها صرف مواد خوراکی و دخانی شده است. میزان مصرف روزانه این مواد برای هر خانوار افراد این گروه تنها ۹۵ ریال است و این در حالی است که در سال مذکور که در هزینه ای در روستاها ۲۲/۱ درصد از هزینه های خود را صرف مواد خوراکی و دخانی نموده است و میزان مصرف روزانه

۱۳۰۷۲۴۷ ریال بوده که ۵۱/۸ درصد آنرا هزینه های خوراکی و دخانی و ۴۸/۲ درصد بقیه را هزینه های غیرخوراکی تشکیل می داده است.

بررسی زیر مجموعه ارقام جدول (۵) نشان می دهد که ۷ گروه اول هزینه ای در روستاها در سال ۱۳۶۸، کمتر از سطح متوسط هزینه روستایی مصرف می کرده اند و این خود در حالی است که متوسط کل هزینه سالانه خانوارهای روستایی کشور در حدود ۶۲٪ رقم مشابه خانوارهای شهری است.

بررسی ترکیب هزینه های خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی نشان می دهد که بجز گروه دهم هزینه ای (۲۴۰۰۰۰۰ ریال و



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی

تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی

تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی  
تولید و توزیع در سطح ملی و بین المللی

اینکه همراه با افزایش درآمد و هزینه در روستاهای کشور، هزینه نان مصرف شده هر فرد می‌تواند تا ۴ برابر (مثلاً در گروه دهم درآمدی) افزایش یابد، نشان دهنده ظرفیت بالقوه غالباً ارضاء نشده‌ای است که برای مصرف مواد غذایی در روستاها وجود دارد.

غذایی در هزینه خانوار روستایی تا گروه نهم هزینه‌ای همچنان باقی می‌ماند و تنها در گروه دهم هزینه‌ای است که جای خود را به گوشت می‌سپارد. و این امر علاوه بر آنکه اهمیت و نقش حیاتی نان را در الگوی مصرف تمام گروههای دهگانه جامعه روستایی نشان می‌دهد، حکایت از عدم اشباع مصرف نان در گروههای پایین هزینه‌ای دارد.

بررسی ارقام مربوط به هزینه‌های مصرف گوشت اختلافات بسیار شدیدتری را نسبت به مصرف نان در گروههای دهگانه هزینه روستا نشان می‌دهد. در حالیکه مصرف گوشت بطور متوسط ۲۳/۵ درصد از کل هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی کشور را در سال ۱۳۶۸ بخود اختصاص داده، این نسبت برای خانوارهای گروه اول هزینه‌ای معادل ۱۱/۶ درصد و برای گروه دهم برابر ۳۰/۳ درصد بوده است. به بیان دیگر، در حالیکه هزینه ماهانه مصرف گوشت برای هریک از خانوارهای گروه اول ۴۷۰ ریال است (سرانه ۳۳۶ ریال)، این رقم برای گروه دهم بیش از ۴۰۴۶۰ ریال (سرانه ۵۲۵۴ ریال) بوده

و... با اختصاص حدود ۱/۳ کل هزینه خوراکی روستاهای کشور بخود، سهم اول را در میزان نهایی این هزینه‌ها داراست. این موضوع نشان دهنده اینست که فقدان نظام پرداخت سوبسید برای نان در روستاهای کشور، سهم این ماده غذایی را در هزینه‌های خانوارهای روستایی بشدت بالا برده است، چرا که تنها ۱۵/۷ درصد هزینه‌های خوراکی یک خانوار شهری صرف نان و مشتقات آن می‌شود.

در گروه اول هزینه‌ای، مصرف آرد و نان ۴۱/۴ درصد از کل هزینه خوراکی این گروه را شامل می‌شود و با توجه به اینکه مصارف خوراکی و دخانی تقریباً ۸۲/۳ درصد از کل هزینه‌های سالانه گروه اول را بخود اختصاص می‌دهد، این نتیجه بدست می‌آید که تقریباً ۳۴ درصد از کل هزینه‌های خانوارهای این گروه به مصرف نان می‌رسد و این بیانگر آنست که از ۹۵ ریال متوسط هزینه خوراکی روزانه افراد این گروه، تقریباً ۳۹ ریال آن برای خرید نان هزینه می‌شود.

با افزایش سطح هزینه‌ها در گروههای هزینه‌ای، از سهم نان در هزینه خوراکی کاسته می‌شود، اما نقش درجه اول این ماده

است که تقریباً ۱۵ برابر مصرف سرانه گوشت در گروه اول است.

مقایسه سهم مصرف گوشت و نان در هزینه‌های گروه‌های دهگانه جامعه روستایی نشان می‌دهد که بموازات افزایش هزینه‌های خوراکی و دخانی از هزینه کل از گروه یکم به سمت گروه دهم، بطور کاملاً موزونی از سهم نان در کل هزینه خوراکی و دخانی خانوارها کاسته می‌شود و متقابلاً سهم گوشت افزایش می‌یابد. یعنی در حالیکه سهم گوشت و نان بر رویهم در الگوی مصرف متوسط کل روستا معادل ۵۵ درصد است، این سهم در مورد گروه اول هزینه به ۵۳ درصد و برای گروه دهم به ۵۸/۱ درصد می‌رسد.

پس از نان و گوشت، گروه شیر و فرآورده‌های آن بیشترین سهم را در الگوی مصرف کل جامعه روستایی کشورداراست. چنانکه در جدول (۷) مشاهده می‌شود، در حالیکه گروه شیر و فرآورده‌های آن با اختصاص ۱۴/۹ درصد از کل هزینه متوسط خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی کشور به خود، جایگاه سوم را در الگوی مصرف کل روستا احراز کرده، در گروه‌های اول تا ششم هزینه‌ای روستا بعد از آرد و غلات دارای سهم دوم، در گروه‌های هفتم و هشتم و نهم بعد از نان و گوشت و در گروه دهم بعد از نان و گوشت و میوه‌ها و سبزیها در الگوی مصرف قرار دارد. گروه میوه‌ها و سبزیها با اختصاص

۱۲/۲ درصد از کل هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی بخود، مکان چهارم را در الگوی مصرف روستائیان کشور احراز کرده است. سهم میوه‌ها و سبزیها نیز در هزینه گروه‌های دهگانه مصرف، مانند گروه گوشت، با افزایش هزینه کل خانوار افزایش می‌یابد و از ۹/۹ درصد در گروه اول، به ۱۲/۵ درصد کل هزینه خوراکی و دخانی در گروه دهم می‌رسد.

پنجمین سهم عمده در الگوی مصرف کل روستائیان کشور به گروه نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات (با سهمی معادل ۷/۱ درصد) اختصاص داشته است. توزیع سهم این دسته از مواد خوراکی و ترکیب هزینه خانوارهای روستایی کشور بطرز نسبتاً موزونی صورت گرفته و بجز در گروه‌های ۲ و ۳ و ۴ هزینه‌ای، در مورد سایر گروه‌ها، سهم هزینه نسبتاً مشابهی را در الگوی مصرف خانوارها بخود اختصاص داده است. ضمناً در مورد سایر اقلام خوراکی، تفاوت نسبتاً چشمگیری بین سهم هزینه گروه‌های مختلف هزینه‌ای در روستاها در سال ۱۳۶۸ مشاهده نمی‌شود.

هزینه خوراکی و دخانی سرانه خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۸

ارقام مربوط به مصرف خوراکی و دخانی سرانه در خانوارهای روستایی نیز می‌تواند به روشن شدن تصویر عمومی توزیع درآمد در جامعه روستایی کشور و نحوه



جدول (۶): متوسط هزینه های خوراکی و دخانی سالانه یک خانوار روستایی به تفکیک گروههای هزینه سالانه به قیمت جاری. واحد: ریال

۳۶۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰		۲۴۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰		کمتر از ۱۲۰۰۰۰		متوسط کل		اقلام خوراکی و دخانی
درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱۰۰	۱۸۱۰۸۰	۱۰۰	۱۰۳۴۵۳	۱۰۰	۴۸۶۶۵	۱۰۰	۶۷۶۹۷۸	جمع کل
۳۹/۱	۷۰۷۷۰	۴۲/۲	۴۳۷۰۱	۴۱/۴	۲۰۱۳۰	۳۱/۵	۲۱۲۸۸۲	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن
۱۱/۶	۲۰۹۳۶	۹/۷	۱۰۰۶۲	۱۱/۶	۵۶۴۷	۲۳/۵	۱۵۸۹۵۲	گوشت
۲۳/۵	۴۰۸۲۶	۲۳/۳	۲۳۰۶۰	۲۱/۱	۱۰۳۸۰	۱۴/۹	۱۰۰۸۲۰	شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان
۰/۹۲	۱۶۶۷	۱/۳	۱۳۹۱	۰/۳۳	۱۶۱	۱/۶	۱۱۱۲۷	روغن ها و چربی ها
۹/۸	۱۷۷۲۸	۸/۷	۹۰۳۴	۹/۹	۴۸۲۲	۱۳/۲	۸۲۸۳۷	میوه ها و سبزی ها
۳/۹	۷۰۵۰	۳/۶	۳۷۷۴	۱/۱	۵۴۹	۳/۵	۲۳۵۱۴	خشکبار و حبوبات
۶/۷	۱۲۱۲۷	۶/۷	۶۹۴۱	۴/۷	۲۲۹۴	۴/۹	۳۳۶۷۲	قندو شکر، شیرینی ها، چای، قهوه و کاکائو
۴/۹	۸۹۶۵	۴/۴	۴۵۱۲	۹/۲	۴۴۶۳	۷/۱	۴۸۳۱۸	نوشابه ها و غذاهای آماده و دخانیات
۰/۵۵	۹۹۱	۰/۹۴	۹۷۸	۰/۶۵	۳۱۹	۰/۷۲	۴۸۵۶	ادویه ها، چاغنی ها و سایر ترکیبات خوراکی
-	۳/۲	-	۲/۲	-	۱/۴	-	۵/۷	متوسط بعد خاوار
۴۷/۶	۵۶۵۸۷	۳۹/۶	۴۷۰۲۴	۲۹/۲	۳۴۷۶۰	۱۰۰	۱۱۸۷۶۸	هزینه سرانه و درصد آن نسبت به متوسط کل

دارند و در عوض کل هزینه خوراکی و دخانی گروه دهم معادل کل هزینه خوراکی و دخانی گروه های اول، دوم، سوم و چهارم است.

اگر این مقایسه ها را به کل هزینه خانوارها - اعم از هزینه خوراکی و غیرخوراکی - تعمیم دهیم، ارقام حاوی اختلاف شدیدتری در درآمد و هزینه است، چرا که با توجه به جدول (۷)، اگر متوسط هزینه کل را معادل ۱۰۰ بدانیم، این رقم

مصرف آن کمک کند. با توجه به متوسط بُعد خانوار، اگر متوسط کل هزینه سرانه را معادل ۱۰۰ فرض کنیم، این رقم برای گروه هزینه ای اول ۲۹/۲، گروه دوم ۳۹/۶، گروه سوم ۴۷/۶، گروه چهارم ۵۲/۷، گروه پنجم ۵۹/۴، گروه ششم ۶۸/۷، گروه هفتم ۸۶، گروه هشتم ۱۰۴/۴، گروه نهم ۱۲۶/۳ و گروه دهم معادل ۱۷۵ است. بدین ترتیب، ۶ گروه اول هزینه ای روستا، زیر خط مصرف متوسط جامعه روستایی کشور قرار



۱۲۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۱		۹۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۱		۶۰۰۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰۱		۴۸۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۱		اقلام خوراکی و دخانی
درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	
۱۰۰	۶۲۳۲۷۵	۱۰۰	۴۵۷۲۸۲	۱۰۰	۳۳۸۷۵۲	۱۰۰	۲۵۶۵۳۲	جمع کل
۳۳/۲	۲۰۶۸۹۱	۳۴/۴	۱۵۷۳۲۵	۳۶/۲	۱۲۲۸۱۷	۴۰/۳	۱۰۳۵۳۳	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن
۲۰/۳	۱۲۶۳۶۵	۱۶/۳	۷۴۴۳۲	۱۴/۹	۵۰۳۷۷	۱۰/۷	۲۷۴۹۰	گوشت
۱۵/۹	۹۹۰۱۰	۱۸/۹	۸۶۶۸۸	۱۹/۲	۶۴۹۲۹	۲۰/۲	۵۱۹۶۰	شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان
۱/۲	۷۸۳۳	۱/۶	۷۴۸۲	۱/۴	۴۸۳۲	۰/۹۸	۲۵۱۰	روغن‌ها و چربی‌ها
۱۲/۱	۷۵۳۵۸	۱۲/۲	۵۵۹۰۸	۱۱/۷	۳۹۸۳۰	۱۲/۲	۳۱۲۱۶	میوه‌ها و سبزی‌ها
۳/۸	۲۴۰۳۹	۳/۸	۱۷۶۵۱	۳/۶	۱۲۲۲۹	۳/۶	۹۱۴۰	خشکبار و حبوبات
۵/۰	۳۱۲۱۳	۵/۴	۲۴۵۸۰	۵/۴	۱۸۴۸۰	۶/۸	۱۷۴۹۴	قندوشکر، شیرینی‌ها، چای، قهوه و کاکائو
۷/۷	۴۸۱۰۶	۶/۵	۲۹۷۶۵	۶/۸	۳۲۰۲۶	۴/۶	۱۱۷۶۹	نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات
۰/۷۲	۴۴۷۰	۰/۷۴	۳۳۹۹	۰/۶۶	۲۳۴۲	۰/۵۶	۱۴۳۰	ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی
-	۶/۱	-	۵/۶	-	۴/۸	-	۴/۱	متوسط بعد خوار
۸۶/۰	۱۰۲۱۷۶/۲	۶۸/۷	۸۱۶۵۷/۵	۵۹/۴	۷۰۵۷۳/۳	۵۲/۷	۶۲۵۶۸/۸	هزینه سرانه و درصد آن نسبت به متوسط کل

◀

برای گروه اول ۱۸/۴ و برای گروه دهم بکشد. ۲۱۵/۶ می‌شود.

بررسی ترکیب هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی کشور و تفکیک آن از نظر اقسامی به گروه‌های دهگانه هزینه و از نظر عمودی به اقسام ۹ گانه خوراکی و دخانی و جزئیات آن، در پایان می‌تواند استنتاجاتی را به دست دهد که تا حدودی بسیار کلی و ابتدایی، وضعیت جامعه روستایی کشور به مثابه دربرگیرنده ۴۳ درصد آحاد این سرزمین را از لحاظ درآمد و الگوی مصرف و نحوه هزینه به تصویر

مقایسه هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸:

با مقایسه جدول هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوارهای شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۶۸، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن، بالاترین سهم را در هزینه کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی بخود اختصاص داده است، در

اقلام خوراکی و دخانی		۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰		۱۸۰۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰۰		۲۴۰۰۰۰۰ و بیشتر	
ریسال	درصد	ریسال	درصد	ریسال	درصد	ریسال	درصد
جمع کل	۸۰۶۰۹۴	۱۰۰	۱۰۶۴۸۳۷	۱۰۰	۱۶۰۰۸۹۷	۱۰۰	۱۶۰۰۸۹۷
آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن	۲۵۲۱۲۹	۳۱/۳	۳۲۳۸۱۱	۳۰/۴	۴۴۵۳۴۴	۲۷/۸	۴۴۵۳۴۴
گوشت	۱۸۵۸۷۳	۲۳/۰	۲۸۲۲۶۲	۲۶/۵	۴۸۵۵۲۱	۳۰/۳	۴۸۵۵۲۱
شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۱۲۱۴۳۴	۱۵/۱	۱۴۶۸۴۸	۱۳/۸	۱۸۱۸۰۳	۱۱/۳	۱۸۱۸۰۳
روغن‌ها و چربی‌ها	۱۲۴۸۷	۱/۵	۲۰۹۹۵	۱/۹	۳۰۲۸۶	۱/۹	۳۰۲۸۶
میوه‌ها و سبزی‌ها	۱۰۱۴۴۹	۱۲/۶	۱۲۷۴۷۱	۱۱/۹	۱۹۹۸۹۱	۱۲/۵	۱۹۹۸۹۱
خشکبار و حیوانات	۲۸۷۹۹	۳/۶	۳۴۴۸۵	۳/۲	۴۹۹۳۴	۳/۱	۴۹۹۳۴
قندوشکر، شیرین‌ها، چای، قهوه و کاکائو	۲۸۳۱۱	۴/۷	۵۰۰۰۳	۴/۷	۷۶۲۱۲	۴/۸	۷۶۲۱۲
نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات	۶۰۰۹۶	۷/۴	۷۱۰۴۱	۶/۷	۱۲۰۰۰۷	۷/۵	۱۲۰۰۰۷
ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی	۵۵۱۶	۰/۷	۷۹۲۱	۰/۷	۱۱۸۹۹	۰/۷۴	۱۱۸۹۹
متوسط بعد خانوار	۶/۵	-	۷/۱	-	۷/۷	-	۷/۷
هزینه سرانه و دره‌دان نسبت به متوسط کل	۱۲۴۰۱۴/۵	۱۰۴/۴	۱۴۹۹۷۷	۱۳۶/۳	۲۰۷۹۰۸/۷	۱۷۵	۲۰۷۹۰۸/۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۸.

خانوارهای شهری و روستایی، از هزینه آرد، غلات و نان آنها کاسته شده و به سهم هزینه گوشت آنها اضافه می‌شود. بعبارت دیگر با افزایش درآمد، خانوارهای شهری و روستایی ترجیح می‌دهند که از مصرف مواد نشاسته‌ای خود کاسته و به مصرف مواد پروتئینی اضافه نمایند.

۳- شیر و فرآورده‌های آنها و تخم پرندگان سومین سهم را در هزینه کالاهای خوراکی و دخانی روستایی و چهارمین سهم را در میان کل هزینه خانوارهای شهری دارد

حالی‌که دومین سهم را در میان هزینه کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای شهری تشکیل می‌دهد. البته سهم کالاهای فوق، در میان تمام گروه‌های هزینه‌ای روستایی بیشتر از شهری می‌باشد.

۲- هزینه گوشت دومین سهم را در میان کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی و اولین سهم را در میان کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای شهری بخود اختصاص داده است.

نکته قابل توجه آنکه با افزایش درآمد



جامعه نیست. همینکه همراه با افزایش درآمد و هزینه، هزینه نان مصرف شده هر فرد می‌تواند مثلاً تا ۴ برابر (گروه دهم) افزایش یابد، نشان دهنده ظرفیت بالقوه غالباً ارضاء نشده‌ای است که برای مصرف مواد غذایی در روستاها وجود دارد.

این ضعف شدید زیستی و اقتصادی و معیشتی، حتماً و لاجرم تأثیر خود را بر دیگر شئون اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی وارد می‌کند و به نوبه خود در واکنش نسبت به بنیانهای اقتصادی روستا، اثرات مخربتری بر آن وارد می‌سازند. مطابق آمار موجود، بیش از ۹۰ درصد از سرپرستهای خانوارهای گروه یکم هزینه‌ای جامعه روستایی کشور بیسوادند و در ۸۴ درصد از خانوارهای این گروه، مطلقاً فرد باسواد وجود ندارد.<sup>۱</sup>

کنش و واکنش این پدیده را بر سطح مصرف و میزان درآمد این خانوارها البته می‌توان بررسی کرد.

بطور کلی، ایجاد هرگونه تحول در میزان تولید کشاورزی و دامداری و افزایش توان تولید مواد غذایی بعنوان یکی از عمده‌ترین اقداماتی که درآمدهای ارزی کشور را می‌بلعد، بدون شک منوط به دگرگونی مناسبات اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی است.

بررسی ترکیب هزینه‌های غیرخوراکی خانوارهای روستایی کشور به تفکیک گروههای هزینه در سال ۱۳۶۸:

در سال ۱۳۶۸، متوسط هزینه‌های غیرخوراکی سالانه یک خانوار روستایی ۶۳۰۲۶۹ ریال می‌باشد که در مقایسه با همین هزینه در سال قبل، دارای رشدی معادل ۲۴/۷ درصد است.

هزینه پوشاک و کفش با سهمی برابر با ۲۹/۲ درصد از کل هزینه‌های غیرخوراکی خانوار، بیشترین سهم را بخود اختصاص داده است (جدول ۸).

در سال ۱۳۶۸، هزینه‌های مسکن با ۲۸/۵ درصد، لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات ۱۴/۶ درصد، حمل و نقل و ارتباطات ۹/۳ درصد، بهداشت و درمان ۸/۲ درصد، کالاهای و خدمات متفرقه ۸ درصد در مراتب بعدی اهمیت قرار داشته‌اند.

نکته قابل توجه در این هزینه‌ها، سهم هزینه مسکن است که در تمام گروهها بجز گروه نهم و دهم هزینه‌ای سهم نسبتاً بالایی را بخود اختصاص داده است. این سهم در گروه دوم هزینه در حدود ۶۵/۹ درصد، و به ترتیب در گروههای بعدی ۵۷/۱، ۵۱/۴، ۴۷/۶، ۴۱/۹، ۳۷/۲، ۳۲/۳، ۲۶/۷ و ۱۸/۳ درصد هزینه‌های غیرخوراکی خانوار است. لازم بتذکر است که در گروه

(۱): مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در

سال ۱۳۶۸.

جدول (۷): متوسط هزینه های غیرخوراکی سالانه یک خانوار روستایی به تفکیک گروههای هزینه سالانه به قیمت جاری. واحد: ریال

اقلام غیرخوراکی	متوسط کل		کمتر از ۱۲۰۰۰۱		۱۲۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰		۲۴۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۰	
	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد	ریال
جمع کل	۱۰۰	۶۳۰۲۶۹	۱۰۰	۱۰۴۴۹	۱۰۰	۷۹۲۸۶	۱۰۰	۱۲۰۱۳۶
پوشاک و کفش	۲۹/۲	۱۸۳۷۶۱	۵۹/۲	۵۹۷۴	۵۷/۲	۷۷۲۳	۹/۷	۱۴۵۹۱
مسکن	۲۸/۵	۱۷۹۴۲۸	۴۴۰/۷۱	۴۲۱/۸	۵۲۳/۱۸	۴۲۱/۸	۶۸۶/۱۴	۵۷/۱
لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات	۱۲/۶	۹۱۹۰۲	۱۶/۷	۱۶۷۷	-	۶۹۲/۷	۸/۷	۹۵۷/۴
بهداشت و درمان	۸/۲	۵۱۵۶۲	۳۰/۲۳	۲۸/۹	۷۳۰/۲	۲۸/۹	۸۵۷/۶	۷/۱
حمل و نقل و ارتباطات	۹/۳	۵۸۵۳۲	۳۴۳/۶۵	-	۷۲۸/۷	-	۱۰۶۴/۵	۸/۹
تفریحات و سرگرمیها	۰/۹	۵۵۱۳	۳/۱۱	۴/۹	۱۷۰/۷	-	۸۳/۶	۰/۷
تحصیل و آموزش	۱/۴	۹۰۴۲	۳/۱۷	۳	۴/۱۵	۳	۱۲۹/۴	۱/۱
کالاها و خدمات متفرقه	۸/۰	۵۰۵۲۹	۲۰/۵	-	۹۸/۹	-	۶۰۰/۶	۴/۹
متوسط بعد خانوار	-	۵/۷	۱/۴	-	۲/۲	-	۳/۲	-

نازلی و بعضاً منفی است، به این معنا که در این اقلام فروش دست دوم کالا بیش از میزان خرید آن است.

البته با افزایش هزینه های خانوار که بدنبال افزایش درآمد ممکن می شود، ترکیب هزینه ها شکل متعادل تری پیدا می کند، لیکن هزینه مسکن همچنان نقش مهمی را دارا می باشد.

هزینه بالای مسکن در گروههای کم درآمد روستایی بشدت سایر هزینه ها را در تنگنا قرار داده است، بطوریکه هزینه های سرانه بهداشتی و درمانی در گروه دهم هزینه ۸/۵ برابر و هزینه های سرانه تحصیلی و

هزینه ای نهم و دهم، سهم بالای پوشاک و کفش جایگزین سهم مسکن شده و بالاترین سهم را در بودجه خانوار روستایی بخود اختصاص می دهد.

سهم بالای هزینه مسکن و پوشاک و کفش در ترکیب هزینه های خانوارهای کم درآمد موجب می شود که از سهم هزینه دیگر کالاها و غیرخوراکی آنها نظیر بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش و تفریحات و سرگرمیها کاسته شود، بطوریکه برخی از اقلام هزینه ای نظیر لوازم، اثاثه و ملزومات خانه، حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و کالاها و خدمات متفرقه در حد

۱۲۰۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰۱		۹۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۱		۶۰۰۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰۰۱		۴۸۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۰۱		اقلام غیر خوراکی
درصد	ریسال	درصد	ریسال	درصد	ریسال	درصد	ریسال	
۱۰۰	۴۲۰۵۲۷	۱۰۰	۲۹۵۵۷۱	۱۰۰	۲۰۱۹۰۰	۱۰۰	۱۶۴۷۷۸	جمع کل
۲۶/۴	۱۱۰۹۵۹	۲۱/۶	۶۳۹۶۲	۱۶/۱	۳۲۴۹۵	۱۴/۵	۲۳۹۰۴	پوشاک و کفش
۳۷/۲	۱۵۶۶۶۶	۴۱/۹	۱۳۳۹۷۳	۴۷/۶	۹۶۰۳۹	۵۱/۴	۸۴۷۳۸	مسکن
۱۱/۳	۴۷۶۸۳	۹/۵	۲۸۳۲۱	۱۱	۲۲۲۱۹	۱۰/۷	۱۷۶۹۴	لوازم، اناش، ملزومات و خدمات
۷/۲	۳۰۲۷۴	۸/۲	۲۴۳۰۶	۷/۷	۱۵۵۶۸	۶/۵	۱۰۶۴۹	بهداشت و درمان
۶/۸	۲۸۵۹۸	۸/۶	۲۵۴۴۳	۷/۹	۱۶۰۶۳	۷/۵	۱۲۴۰۷	حمل و نقل و ارتباطات
۰/۶	۲۶۹۴	۰/۸	۲۴۰۵	۰/۴	۸۰۲	۰/۵	۸۴۹	تفریحات و سرگرمیها
۰/۵	۸۶۱۴	۰/۵	۵۴۳۸	۱/۶	۳۳۲۴	۱/۳	۲۱۶۳	تحصیل و آموزش
۸/۳	۳۵۰۳۹	۷/۴	۲۱۸۲۳	۷/۶	۱۵۳۹۰	۷/۵	۱۲۳۷۴	کالاها و خدمات متفرقه
-	۶/۱	-	۵/۶	-	۴/۸	-	۴/۱	متوسط بعد خانوار

توزیع متناسب امکانات جامعه می‌بایست از طریق برنامه ریزیهای بلندمدت و سرمایه‌گذاریهای لازم در این زمینه، ارائه تسهیلات و خدمات، آموزش و پرورش، بهداشت و سایر برنامه‌ها عملی گردد. در این رابطه دولت می‌بایست اقدامات بیشتری را انجام دهد.

دارد، زیرا توزیع مواد خوراکی را دولت از طریق دادن کوپن و انواع سوبسیدها بهبود بخشیده است، لیکن در مورد مواد غیرخوراکی، امکانات بیشتر در اختیار طبقات مرفه روستایی که بعضاً مالکان بزرگ می‌باشند، قرار دارد و طبقات کم درآمد سهم کمی از آنها دارا هستند.

آموزشی حدود ۱۴/۵ برابر همین هزینه‌ها در گروه دوم است. بطور کلی در کلیه هفت گروه اول هزینه‌ای، تمام هزینه‌های غیرخوراکی در حدی پایین‌تر از متوسط هزینه‌ها قرار دارد. با توجه به مراتب فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که توزیع امکانات غیرخوراکی و رفاهی در جامعه روستایی به نحو نامطلوب‌تری نسبت به مواد خوراکی قرار

افلام غیر خوراکی		۱۲۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰		۱۸۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰		۲۴۰۰۰۰ و بیشتر	
ریال	درصد	ریسال	درصد	ریال	درصد	ریال	درصد
جمع کل	۶۶۲۹۴۳	۱۰۰	۹۹۸۳۸۵	۱۰۰	۲۲۰۵۹۸۲	۱۰۰	۲۲۰۵۹۸۲
پوشاک و کفش	۱۹۷۱۳۸	۲۹/۷	۳۴۱۳۸۷	۳۴/۲	۶۸۶۲۰۵	۳۱/۱	۶۸۶۲۰۵
مسکن	۲۱۴۴۶۶	۳۲/۳	۲۶۶۶۹۱	۲۶/۷	۴۰۴۲۴۴	۱۸/۳	۴۰۴۲۴۴
لوازم ، اثاثه ، ملرومات و خدمات	۸۶۶۲۸	۱۳/۱	۱۴۲۷۶۷	۱۴/۳	۳۹۷۰۶۳	۱۷/۹	۳۹۷۰۶۳
بهداشت و درمان	۴۱۹۸۸	۶/۳	۷۰۴۴۰	۷/۰	۲۱۸۶۱۰	۹/۹	۲۱۸۶۱۰
حمل و نقل و ارتباطات	۵۱۸۹۷	۷/۸	۷۶۸۱۵	۷/۷	۲۶۶۲۸۲	۱۲/۱	۲۶۶۲۸۲
تفریحات و سرگرمیها	۷۲۱۳	۱/۱	۸۵۴۹	۰/۸۶	۲۰۷۰۰	-/۹۴	۲۰۷۰۰
تحصیل و آموزش	۱۱۴۸۳	۱/۷	۱۵۸۰۴	۱/۶	۲۱۵۹۱	-/۹۸	۲۱۵۹۱
کالاها و خدمات متفرقه	۵۲۱۳۰	۷/۹	۷۵۹۳۲	۷/۶	۱۹۱۲۸۷	۸/۷	۱۹۱۲۸۷
متوسط بعد خاوار	۶/۵	-	۷/۱	-	۷/۷	-	۷/۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۸.

سایر گروههای هزینه خانوارهای روستایی و شهری ملاحظه می شود. بخصوص این تفاوت در مورد گروههای پایین هزینه ای بسیار مشهود است و این امر بیانگر پایین بودن سطح زندگی خانوارهای روستایی نسبت به شهری می باشد.

۳- هزینه مسکن در شهرها و روستاهای کشور در سال ۱۳۶۸ بالاترین سهم را در میان گروههای هزینه ای بخود اختصاص داده است، که این امر بیانگر حاد شدن معضل مسکن در روستاها همانند شهرها می باشد، بطوریکه بیشترین درآمد خانوارهای روستایی (مانند خانوارهای شهری) صرف هزینه مسکن می شود و در

مقایسه هزینه های غیرخوراکی سالانه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸: با مقایسه هزینه های غیرخوراکی سالانه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸، می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- تفاوت چندانی بین هزینه های غیرخوراکی گروه دهم هزینه ای شهری و روستایی و در نتیجه الگوی مصرفی آنها مشاهده نمی شود و این امر بیانگر آنست که خانوارهای گروه دهم هزینه ای روستایی را بیشتر مالکان عمده تشکیل داده و در نتیجه دارای درآمدهای سرشار می باشند.

۲- تفاوت چشمگیری بین هزینه سالانه غیرخوراکی و در نتیجه الگوی مصرفی





---

با توجه به نرخ رشد جمعیتی معادل ۳/۹ درصد در سال، جمعیت کشور بسرعت رو به افزایش است. چنانچه به توزیع صحیح امکانات زندگی از هم اکنون توجه نشود، در آینده دولت به سختی خواهد توانست راه حل مناسبی برای آن بیابد.

---

نکته قابل توجه آنکه با مقایسه جدول هزینه‌های غیرخوراکی شهری و روستایی، ملاحظه می‌شود که هزینه‌های منفی در میان گروه‌های هزینه خانوارهای شهری بطرز چشمگیری بیشتر از خانوارهای روستایی است، که این امر بیانگر آنست که علیرغم بالا بودن کل هزینه سالانه (و در نتیجه درآمد) خانوارهای شهری نسبت به روستایی، بعلت بالا بودن سطح مخارج مصرفی در شهرها نسبت به روستاها، گروه‌های کم درآمد شهری در سال ۱۳۶۸ دارای وضعیتی مصرفی بدتری نسبت به روستاها بوده‌اند.

۶- پایین بودن هزینه تحصیل و آموزش در روستاها و شهرهای کشور بیانگر بی‌توجهی خانوارهای کم درآمد به آن می‌باشد که عواقب آن افزایش بیسوادی و ترک تحصیل در میان خانوارهای کم درآمد شهری و روستایی است که آینده تاریکی را برای کشور ما بدنبال دارد.

نتیجه منجر به کاهش سهم سایر کالاهای غیرخوراکی استراتژیک مانند بهداشت و درمان و تحصیل و آموزش در میان گروه‌های کم درآمد شهری و روستایی می‌گردد.

۴- پوشاک و کفش سهم عمده‌ای از هزینه خانوارهای شهری و روستایی را بخود اختصاص داده که چنین امری با توجه به افزایش قیمت پوشاک و کفش در سالهای اخیر و عدم اعطای هرگونه سوبسیدی در این مورد به مصرف کننده، طبیعی بنظر می‌رسد.

۵- منفی بودن هزینه برخی از اقلام غیرخوراکی (مانند لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات، حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و کالاها و خدمات متفرقه) خانوارهای شهری و روستایی دلالت بر عدم تناسب درآمد و هزینه در میان گروه‌های کم درآمد دارد، بطوریکه مجبور شده‌اند کالاهای بادوام خود را فروخته و قسمتی از هزینه آنرا صرف کالاهای خوراکی و غیرخوراکی خود (مانند مسکن و پوشاک و کفش) بنمایند.

## ترکیب هزینه های سالانه یک خانوار شهری (۱۳۶۸)

متوسط هزینه های غیرخوراکی سالانه یک خانوار شهری (ارقام به ریال)

شرح	هزینه	درصد
پوشاک و کفش	۲۳۱۵۹۵	۱۹/۸
اجاره بها و سایر هزینه های منزل مسکونی	۵۲۷۰۱۳	۴۵
آب ، سوخت و روشنایی منزل مسکونی	۴۶۳۱۳	۴
لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات	۱۰۱۴۱۷	۸/۷
بهداشت و درمان	۷۲۸۳۸	۶/۲
حمل و نقل و ارتباطات	۹۷۸۲۳	۸/۴
تفریحات و سرگرمیها	۱۲۳۹۹	۱/۰۵
تحصیل و آموزش	۱۹۶۷	۱/۷
کالاها و خدمات متفرقه	۶۰۹۲۸	۵/۲

درصد

۴۵  
۴۰  
۳۰  
۲۰  
۱۰  
۵

اجاره بها و سایر هزینه های منزل مسکونی    پوشاک و کفش    لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات    حمل و نقل و ارتباطات    بهداشت و درمان    کالاها و خدمات متفرقه    آب، سوخت و روشنایی    تحصیل و آموزش    تفریحات و سرگرمیها

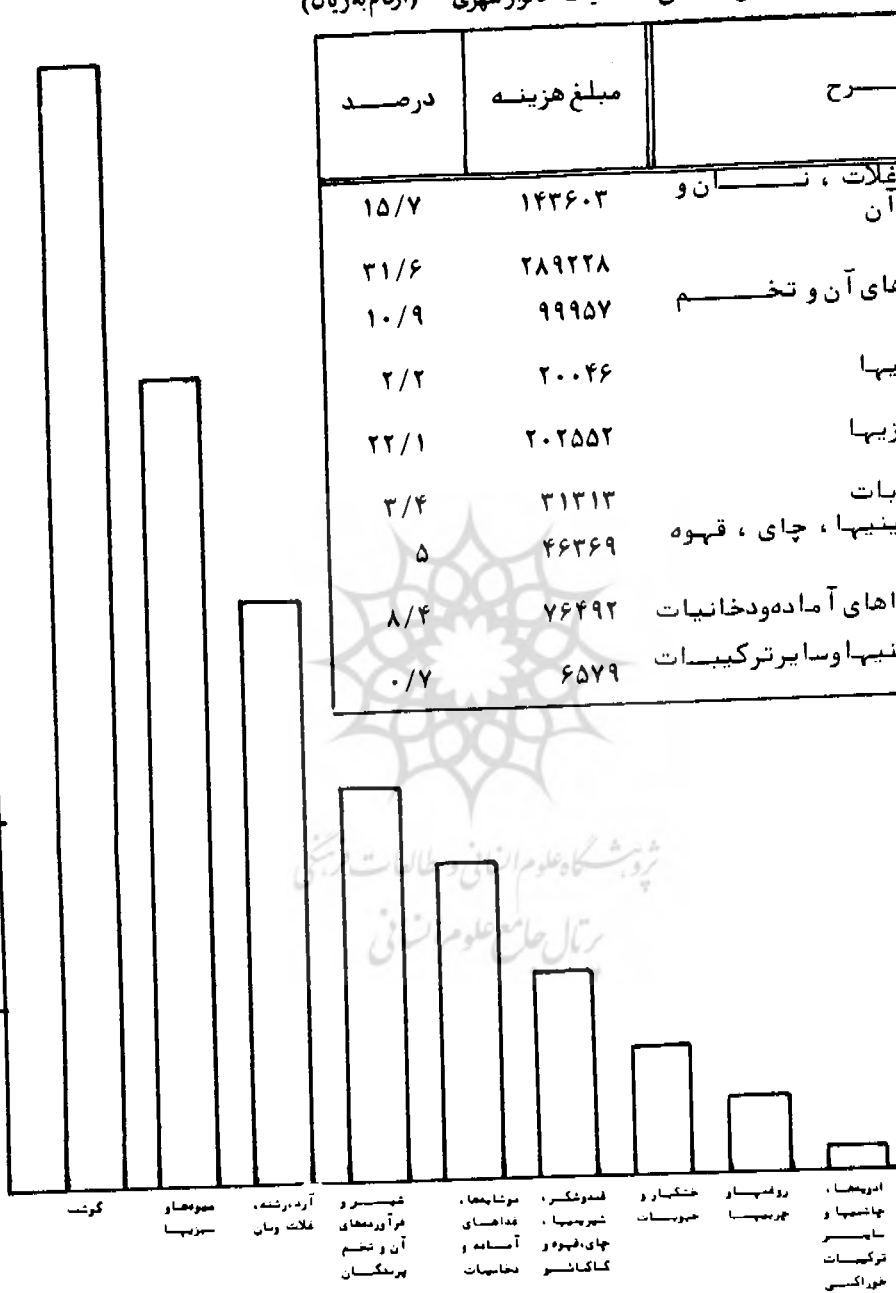
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ترکیب هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری (۱۳۶۸)

متوسط هزینه‌های خوراکی و دخانی سالانه یک خانوار شهری (ارقام به ریال)

درصد

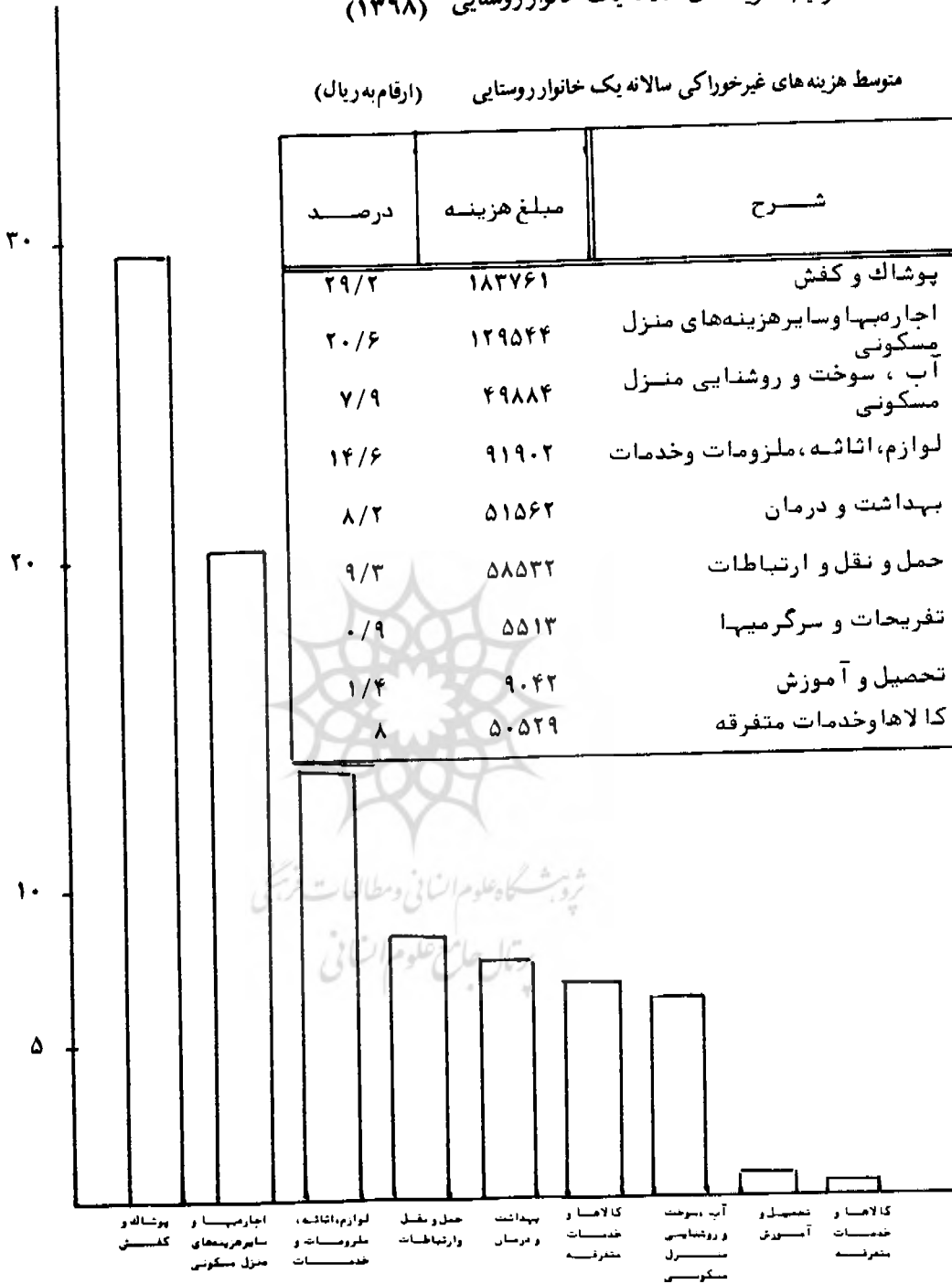
شرح	مبلغ هزینه	درصد
آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن	۱۴۳۶۰۳	۱۵/۷
گوشت، شیره و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۲۸۹۲۲۸	۳۱/۶
روغن‌ها و چربیها	۹۹۹۵۷	۱۰/۹
میوه‌ها و سبزیها	۲۰۰۴۶	۲/۲
خشکبار و حبوبات	۲۰۲۵۵۲	۲۲/۱
قند و شکر، شربتیها، چای، قهوه و کاکائو	۳۱۳۱۳	۳/۴
نوشابه‌ها و غذاهای آماده و دخانیات	۴۶۳۶۹	۵
ادویه‌ها، چاشنیها و سایر ترکیبات خوراکی	۷۶۴۹۲	۸/۴
	۶۵۷۹	۰/۷



# ترکیب هزینه های سالانه یک خانوار روستایی (۱۳۶۸)

متوسط هزینه های غیرخوراکی سالانه یک خانوار روستایی (ارقام به ریال)

درصد



## ترکیب هزینه های سالانه یک خانوار روستایی (۱۳۶۸)

متوسط هزینه های خوراکی و دخانی سالانه یک خانوار روستایی (ارقام به ریال)

شرح	مبلغ هزینه	درصد
آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن	۲۱۲۸۸۲	۳۱/۵
گوشت	۱۵۸۹۵۲	۲۳/۵
شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان	۱۰۰۸۲۰	۱۴/۹
روغن ها و چربی ها	۱۱۱۲۷	۱/۶
میوه ها و سبزی ها	۸۲۸۲۷	۱۲/۲
خشکبار و حبوبات	۲۳۵۱۴	۳/۵
قند و شکر، شیرینی ها، چای، قهوه و کاکائو	۳۳۶۷۲	۴/۹
نوشابه ها، غذاهای آماده و دخانیات	۴۸۳۱۸	۷/۱
ادویه ها، چاشنی ها و سایر ترکیبات خوراکی	۴۸۵۶	۰/۷۲

درصد

۳۰

۲۰

۱۰

۵

آرد، رشته،  
غلات و نان

گوشت

شیر و  
تخم مرغ

میوه ها و  
سبزی ها

نوشابه ها،  
غذاهای  
آماده و  
دخانیات

قند و شکر،  
شیرینی ها،  
چای، قهوه  
و کاکائو

خشکبار و  
حبوبات

روغن ها و  
چربی ها

ادویه ها و  
چاشنی ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

از عوامل مؤثر در بالا رفتن سطح هزینه خانوارها در سالهای اخیر، از یکطرف افزایش شدید و بی‌رویه قیمت‌ها و نرخ بالای رشد جمعیت کشور و از طرف دیگر نابت ماندن درآمد خانوارها و یا افزایش نامتناسب آن با روند رشد قیمت‌ها می‌باشد که نتیجه آن بدتر شدن وضعیت مصرف خانوارهاست.

### جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری:

با مطالعه ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸ و بررسی و مقایسه سهم هزینه هر کالا در بودجه خانوار، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- در سال ۱۳۶۸، متوسط کل هزینه‌های سالانه (و بتبع آن هزینه‌های خوراکی و دخانی و غیرخوراکی) خانوارهای شهری و روستایی کشور دارای رشدی مثبت نسبت به اقلام مشابه خود در سال ۱۳۶۷ بوده است، ضمن اینکه درصد رشد هزینه‌های مربوطه در خانوارهای روستایی کشور بیشتر از شهری است. البته با مقایسه ارقام متوسط هزینه‌های کل سالانه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸ و همچنین متوسط هزینه کل کالاهای خوراکی و غیرخوراکی آنها با اقلام مشابه سال ۱۳۶۷، می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً: تفاوت بین متوسط کل هزینه سالانه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸ افزایش یافته است (از ۷۴۱۹۰۵ ریال در سال ۱۳۶۷ به

۷۷۸۸۹۱ ریال در سال ۱۳۶۸)، ثانیاً: اختلاف بین متوسط کل هزینه‌های خوراکی خانوارهای شهری و روستایی کاهش یافته (از ۲۴۹۷۸۸ ریال در سال ۱۳۶۷ به ۲۳۹۱۶۱ ریال در سال ۱۳۶۸)، درحالی‌که اختلاف متوسط هزینه‌های کل کالاهای غیرخوراکی آنها افزایش یافته است (از ۴۹۲۱۱۷ ریال در سال ۱۳۶۷ به ۵۳۹۷۳۰ ریال در سال ۱۳۶۸).

چنین آماری بیانگر اینست که در سال ۱۳۶۸ وضعیت مصرفی خانوارهای شهری نسبت به روستایی بدتر شده است. دلیل دیگر مدعی وجود منفی بودن «گسترده» هزینه برخی از اقلام غیرخوراکی در میان گروه‌های هزینه خانوارهای شهری نسبت به روستایی است.

۲- توزیع امکانات غیرخوراکی و رفاهی در جامعه به نحو نامطلوب‌تری نسبت به مواد خوراکی قرار دارد، زیرا توزیع مواد خوراکی را دولت از طریق دادن کوپن و انواع سوبسیدها بهبود بخشیده است (البته نه نوع مصرف را)، لیکن در مورد مواد

غیرخوراکی دولت می‌بایست اقدامات بیشتری انجام دهد، زیرا در حال حاضر اینگونه امکانات بیشتر در اختیار طبقات مرفه قرار دارد و طبقات کم درآمد سهم کمی از آن را دارند.

۳- در مورد مواد غذایی، چنانچه فرض کنیم که سهمیه کوپن، حداقل نیاز خانوارها را تأمین نماید، بنابراین چنانچه تغییراتی در ترکیب مواد غذایی سهمیه‌بندی شده داده شود، شاید بتوان به وضعیت مطلوب‌تری نیز دست یافت. بدین ترتیب که با ارضاء مقادیری از تقاضاهای اشباع نشده مواد پروتئینی در مورد خانوارهای با درآمد کم و متوسط در سال و تغییراتی در ترکیب هزینه‌های خوراکی و نوع آن، می‌توان وضع را مطلوب‌تر نمود.

۴- نکته قابل توجه دیگر، توزیع نامناسب امکانات غیرخوراکی با توجه به سهم بالای آن در هزینه خانوار می‌باشد. بطوریکه ملاحظه می‌شود در بخش هزینه‌های خوراکی بعلت سیستم‌های حمایتی خاص دولت، در هیچیک از گروه‌های درآمدی هزینه منفی دیده نمی‌شود، لیکن در بخش غیرخوراکی هزینه منفی دیده می‌شود و آن بدین معنی است که فروش دست‌دوم آنها بیش از میزان خرید احتمالی شان می‌باشد.

۵- منظور از توزیع مناسب امکانات در یک جامعه آن است که همه افراد آن جامعه از بهترین سطح موجود زندگی در آن جامعه بطور نسبتاً مساوی بتوانند برخوردار شوند. سطح زندگی ایده‌آل سطحی است که هر فرد غذای کافی دریافت نموده و از سایر امکانات موجود به نحو مطلوب برخوردار باشد و بطور کلی مواد کافی در دسترس داشته باشد که توسط آن بتواند نیازهای خود را برطرف نماید. همچنین، در چنین وضعیتی هر فرد از امکانات کافی بهداشتی و درمانی، تفریحی، فرهنگی و آموزشی برخوردار است. بعبارت دیگر در چنین شرایطی، نیازها، تواناییها و خلاقیت‌های افراد در جامعه شناخته شده است. وضعیت متناسب، شرایط را برای اشتغال کامل، طول عمر زیاد، بهداشت و سلامت، اشاعه دانش و فرهنگ، هماهنگی اجتماعی و ثبات خانوادگی فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

#### پیشنهادات:

بطور کلی از بررسی وضعیت مصرف خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۸ چنین بر می‌آید که متأسفانه اکثر خانوارهای شهری و روستایی در این سال - همانند سالهای گذشته<sup>۲</sup> - نه تنها از یک وضعیت

(۱): محمد مولائی، بررسی و مقایسه ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای شهری و روستایی

ایران در طی سالهای ۶۷-۱۳۵۱، رساله فوق لیسانس (تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)،

نسبتاً مطلوب کالاهای خوراکی و غیرخوراکی محروم هستند، بلکه دارای یک تقاضای اشباع نشده از کالاهای ضروری و اساسی می‌باشند. آمار مربوطه نمایانگر تلاش خانوارها جهت تأمین مایحتاج اولیه زندگی خود یعنی نیازمندیهای خوراکی، مسکن و پوشاک می‌باشد و بعلت هزینه‌های بالای اقلام فوق، خانوارهای کم درآمد بناچار توجه چندانی به هزینه‌های تحصیل و آموزش، تفریحات و سرگرمیها و حتی بهداشت و درمان ندارند که این مسئله دارای عواقب ناگوار اجتماعی و فرهنگی برای جامعه ما می‌باشد.

از عوامل مؤثر در بالا رفتن سطح هزینه خانوارها در سالهای اخیر، از یکطرف افزایش شدید و بی‌رویه قیمتها و نرخ بالای رشد جمعیت کشور و از طرف دیگر ثابت ماندن درآمد خانوارها و یا افزایش نامتناسب آن با روند رشد قیمتها می‌باشد، که نتیجه آن بدتر شدن وضعیت مصرف خانوارهاست.

باید توجه داشت که چنانچه میزان عدم توازن بین جمعیت و امکانات زندگی افراد زیاد شود و بطور کلی نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه تأمین نگردد، نتیجه آن بیکاری، ناهماهنگی‌های اجتماعی و سایر عوارض ناشی از آن نظیر فقر و اعتیاد و بزهکاری و

فشارهای روحی و روانی خواهد بود. بنظر می‌رسد که اقدامات ذیل در شرایط کنونی اقتصاد ما تا حدی بتواند به وضعیت مطلوب مصرف جامعه کمک نماید:

توزیع متناسب امکانات جامعه می‌بایست از طریق برنامه ریزیهای بلندمدت و سرمایه گذاریهای لازم در این زمینه، ارائه تسهیلات و خدمات، ارائه آموزش و پرورش، ارائه بهداشت و سایر برنامه‌ها عملی گردد. در این رابطه دولت می‌بایست اقدامات بیشتری انجام دهد، زیرا با نرخ رشد جمعیتی معادل  $\frac{3}{9}$  درصد در سال، جمعیت کشور بسرعت روبه افزایش است و چنانچه به توزیع صحیح امکانات از هم اکنون توجه نشود، در آینده دولت به سختی خواهد توانست راه حل مناسبی برای آن بیابد. بدین منظور پیشنهاد می‌شود که:

الف- امکانات بهداشتی و درمانی برای طبقات کم درآمد افزایش یابد، بدین ترتیب که سرمایه گذاریهای لازم جهت توسعه بیمارستانها و توسعه شبکه بهداشت و درمان دولتی انجام گیرد، زیرا با عرضه بیشتر این خدمات سهم بیشتری از آن به طبقات کم درآمد تعلق خواهد یافت.

ب- ایجاد امکانات تحصیل و آموزش برای طبقات کم درآمد در سطوح بالاتر از

(۲): برای مطالعه وضعیت مصرف خانوارهای شهری و روستایی در طی دو دهه اخیر ایران به:

ماهنامه بررسیهای بازرگانی، سال پنجم، شماره (۴)، شهریور ۱۳۷۰، منتشره از سوی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی مراجعه فرمائید.



دبستان از طریق اعطای بورس تحصیلی و غیره.

ج- کاهش سهم هزینه مسکن در هزینه خانوار از طریق عرضه مسکن بیشتر، بدین ترتیب که سرمایه گذاریها در این بخش توسعه یابد و در عین حال از امکانات سنتی برای ساختن خانه های ارزان قیمت استفاده شود. ناگفته نماند که حل مشکل مسکن محتاج به برنامه ریزی بلندمدت است که از طریق توسعه امکانات تهیه مصالح ساختمانی در داخل کشور و نیز ایجاد ضوابط و تسهیلاتی برای طبقات کم درآمد برای ساخت واحدهای کوچک و ارزان قیمت می بایست عملی گردد.

د- توسعه شبکه ارائه خدمات دولتی نظیر آب لوله کشی، برق، گاز، آسفالت و غیره، خصوصاً در مناطق فقیرنشین بطریقی که افراد این مناطق از این تسهیلات با قیمت ارزانتری استفاده کنند.

ه- تثبیت قیمت و عرضه بیشتر کالاها و خدماتی که بیشتر مورد استفاده طبقات کم درآمد است. بطور مثال نفت کالایی است که در خانوارهای کم درآمد بیش از خانوارهای پُردرآمد مصرف می شود، لذا با تثبیت قیمت آن در سطح پایین و عرضه بیشتر آن در حقیقت به این خانوارها کمک گردیده است.

و- تقویت تعاونیهای کارمندی و کارگری و ارائه کالاها و خدمات بیشتر در این تعاونیها، بنحوی که کارمندان را زیر پوشش خود قرار داده و آنها را از خرید از بازار آزاد بی نیاز نماید.

ز- ایجاد امکانات تفریحی و مسافرتیهای دستجمعی داخلی خصوصاً برای فرزندان طبقات کم درآمد از طریق مدارس و مناطق آموزش و پرورش، با توجه به موقعیت مناطق و درآمد خانوارها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی